

هشتاد از این اقلام که در کتابچه شهریه نوشته شده است شهریه‌های متقاعدین است منتهی با اسم شهریه نوشته شده و اغلب این اسامی اشخاصی است که مدت‌ها در ادارات خدمت کرده اند حالا یا بخود آن ها یا بپورته آنها حقوق تقاعد داده میشود از این کتابچه خارج و جزء بودجه وزارت خانها بشود باید صد هشتاد این شهریه ها را از این کتابچه خارج و جزء بودجه وزارت خانه ها بیارند و این ترتیب عملی نیست و بعقیده بنده بایستی رأیهائی که در این باب داده شده شامل حال آنها هم بشود و اگر می‌خواهند آنها را از عنوان شهریه خارج کنند بسیار خوب بگویند از کتابچه شهریه خارج شود و بعنوان دیگری جزو بودجه وزارت خانه بشود ولی باید این مواد شامل آنها هم باشد

مضرب - برای اینکه این اشتباه ادامه پیدا نکند باید عرض کنم که ما در موقع مذاکره هر قسم الفاظ و لغاتی که دلمان می‌خواهد می‌گوئیم اگر آقا حقیق تقاعد اجزاء ادارات را می‌گویند بنده قول میدهم صد پنچ بلکه صد چهار هم اسامی آنها در این کتابچه نباشد ولی بقیه حقوقهای تقاعدی حقوقهایی است که از نقطه نظر رعایت و استحقاق برای بعضی ها معین شده و حقیقتاً معنی حقیقی شهریه همین است که در باره یک عده از رجال نمره اول مملکت معین شده و این حقوق تقاعد نیست متقاعد کسی را می‌گویند که بواسطه زیادی سن و پیری نتواند کار کند و این شخص هم خود را در ادارات و در خدمات دولتی صرف کرده باشد این قبیل اشخاص را متقاعد می‌گویند و گرنه مثلا در یک کتابچه شهریه که وعظ هم حقوق دارند روضه خوان هم حقوق دارد مجاهد و امثال آنها هم حقوق دارند چه مناسبت دارد مثلا میرزا اسحق خانرا که حقیقت شصت سال بمملکت خدمت کرده و پیر شده او را هم جزو اینها نوشت و از حقوق او که حقیقتاً تقاعدات کسر کرد بهر جهت این قبیل اشخاص که استحقاق گرفتن حقوق تقاعد دارند باید از این کتابچه خارج و در جزء بودجه وزارتخانه که در آنها سابقه دارند نوشته شود

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - از هشت ماه قبل که راجع بمسئله شهریه ها در مجلس مذاکره شد ابتدا بنا بود یک اصل صحیح بلا تبعیض در این باب اتخاذ شود یا بفردا فرد شهریه بگیرا رسیدگی شود و یک تصمیم صحیحی نسبت بموم شهریه ها گرفته شود و کم کم رأی بدیم بعد قرار شد تمام شهریه های وزارتخانه ها هم جزء این صورت بیاید و البته خاطر همه آقایان هست که راجع بحقوق متقاعدین وزارت -

خارجه رأی داده شد که از بودجه وزارت خارجه خارج و جزء کتابچه شهریه ها بشود بعد آقای نصرت الدوله دفاع کردند و گفتند خوب است هر يك از آنها بوزارت خانه های خودش برگردد و از همانجا پرداخته شود این مذاکره که شد گفتیم اگر این احتمال دارد قوانینی که در این موضوع می‌گذرد شامل آنها نشود گفتند خیر شما هر فراری در باره شهریه ها دادید در باره آن ها نشود گفتند خیر شما هر قراردادی در باره آنها هم معمول و مجری خواهد شد و گفتند مقصود ما این است که در جزو بودجه وزارت خانهای خودشان صورت داده شود که سهل الوصول تر باشد در حقیقه ما را گول زدند و برای اینکه شهریه های خودشان را تمام به گیرند این کار را کردند مثلا برای یک نفر که چهل پنجاه سال پدش شصت و دو روزاوت خانه خدمت کرده بایک نفر تاجر باشی که قوم و خویشی بایک نفر از نمایندگان سیاسی داشته چهار پنجاه هزار تومان شهریه قرار داده اند بنده خوب خاطر هست که همان موقع که معاون وزارت خارجه بعهدت دفاع بمجلس آمده بود چون خودش هم جزو متقاعدین بود دفاع نکرده و اما ممانتی که شاهزاده نصرت الدوله راجع بتقاعد فرمودند فرانسه نیست که بنده ندانم معنی آن بھو بی معلوم است متقاعد یعنی کسی که مدت مدیدی خدمت کرده پیر شده ددخانه نشسته و نمی تواند خدمت کند حقوقی که باوداده میشود حقوق تقاعدات و اگر هم معنی غیر از این دارد خوب است بفرمایند که بنده هم مطلع شوم بهر جهت تمام کتابچه را ماقلم بقلم دیده ایم شاید یکی دو نفر مثل میرزا اسحق خان جزو آن صورت باشد والا باقی دیگر شهریه است که باسم حقوق تقاعد پرداخته می‌شود و تقریباً ماهی هشت هزار تومان بدولت ضرر وارد می‌آید . چرا باید تبعیض شود همانطور که آقای حاج میرزا علی محمد فرمودند در ادارات که سابق پرسنل نبوده تا سابق خدمات اعضاء را ضبط نمایند فقط وزارت خارجه است که از سنه (۱۲۴۳) تأسیس و وضع اداری آن تا اندازه مرتب بوده ولی سایر وزارت خانهها شاید پیش از ده سال نباشد که بدسیپلین وضع جدید آشنا شده اند و دائره پرسنل تأسیس شده است . حالانظر باینکه مستخدمین ادارات تمامشان در وزارت خارجه خدمت نکرده اند و اسمشان وسوابق خدمتشان در دفتر پرسنل ثبت نشده باین جهت بدبخت شده اند و باید اسمشان در این کتابچه نوشته شده و از حقوق آنها کسر شود لیکن اعضاء وزارت خارجه چون پرسنل در وزارت خانه آنها بوده باید تمام حقوق خود را بدون دیناری کسر بگیرند بنده باین عقیده بهیچ وجه قائل نیستم و عقیده ام این است که هیچ تبعیض نشود و

کلیه وزارت خانهها که حقوق تقاعدی دارند بدون اینکه تبعیض خود هر چند نفری را که حقیقتاً استحقاق گرفتن حقوق تقاعدی دارند بمجلس پیشنهاد کنند که فلان شخص سی سال یا چهل سال براسستی و درستی خدمت کرده و باید فلانقدر باو حقوق تقاعدی داده شود و ما هم در یک جلسه در آن مذاکره کرده اگر استحقاق داشته با آنها رأی میدیم که با آن عده معدود ظلم نشده باشد ولی نسبت به بقیه در این کتابچه تصمیمی گرفته شده باید راجع بموم باشد . اما اینکه شاهزاده نصرت الدوله فرمودند فقط بنده و حاج شیخ اسدالله در کمیسیون مخالف بودیم اینطور نیست تقریباً ده نفر در کمیسیون بودجه بودیم چند نفر دارای این عقیده بودیم و مخالفت کردیم و ممکن است از سایر رفقای ما که در آنجا بودند سؤال شود . بهر جهت البته رأی اکثریت بمجلس مطاع است رأی گرفته می‌شود اگر بعقیده ایشان اکثریت مجلس رأی داد اما فراموش کرده ایم و اگر بعقیده ما اکثریت حاصل شد . ایشان فراموش نموده اند و از دیشب تا کنون هم عقیده ما فرق نکرده است . مقصود ما این بود که تبعیض نشود . ترتیب صد یادوست قلم در این کتابچه هست که استحقاق گرفتن حقوق تقاعد دارند ولی اعضاء وزارت خارجه که پرسنل داشته اند ومدت خدمت سابقه آن ها معلوم است ولی سایرین خیر حال برای اینکه آنها پرسنل داشته اند تمام حقوقشان را و سایرین از حقوقشان کسر شود دور از انصاف است

رئیس آقای آقاسید فاضل (اجازه)

آقاسید فاضل - بنده مخالف
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم
رئیس - آقای زنجانی چطور ؟
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده موافقم
رئیس - بفرمائید

زنجانی - حقوقیکه در این مملکت باشخاص داده می‌شود اساسش دو چیز است . یکی بخدمت است و یکی آنکه کار نمیکنند و حقوق می‌برد حقوق بدون خدمت منحصر است بتقاعد و غیر از تقاعد هیچ راه ندارد و حال در ایران این طریق معمول نیست شاید بملاحظاتی باشد در ممالک دیگر هم بقرا کمک میکنند اما نه باسم شهریه دارا معجزه و دارالایتام دارند هر کس فقیر است او را می‌برند آنجا کفالت معارج او را می‌کنند نه اینکه برای هر کدام یک مقداری شهریه معین کنند .

حالا اینجا اینطور است چه عرض کنم . بهر حال حقوق تقاعد یک مسئله اساسی است و نباید متقاعدین را جزء مفت خوران

که فلانکس و فلان خانم و فلان خانم است داخل نمود اینها اشخاصی محترمی هستند خدمت کرده اند و هر شان را صرف خدمت بدولت کرده اند و باید حقوق تقاعدی به آنها بدهند اما این که می‌فرمایند حقوق تقاعدی بی ترتیب بوده . مگر قانون استهدام داشته ایم که می‌فرمائید بی ترتیب بوده همین قدر دانسته اند چون خدمت کرده است و عمرش را در خدمت بدولت بسر برده نباید او را بکلی رها کرد برود در خانه اش بنشیند و تلف شود لیکن یک ترتیبی در کار نبوده است که درجه سن و پس از چند سال باید متقاعد بشود یا وقتی متقاعد شد چه قدر از حقوقش باورده شود اینها معمول نبود لیکن این را می‌دانستند کسی که زحمت کشیده هم خود را در خدمت بسر برد و حالا دیگر نمی‌تواند کار کند یا بواسطه مرض یا بواسطه پیری باید در خانه اش بنشیند و حقوقی باو بدهند منتهی نظر باین هم در کار بوده است مثلاً یکی را خواسته اند تمام حقوقی که در آخر مدت خدمت می‌گرفته است باو بدهند یا بعضی را اضافه کرده اند و بعضی را کسر کرده اند حالا من باینها کاری ندارم ولی بعضی ها هستند که هنوز وقت تقاعد آنها نشده است و از وزیر تقاضا کرده اند حقوق تقاعد برای آنها قرار بدهد در صورتی که سنش هم مقتضی نیست با این قسم تقاعد بنده مخالف هستم باز یک قسمت اشخاصی هستند مثل حاکم فلانجا و غیره و از برای آنها یا صد تومان شهریه قرار داده اند .

آی این حقوق تقاعد است ؟ این ها آیا مدتها خدمت کرده اند و پیر شده اند که حالا باید حاضر بگیرند و بخورند ؟ پس اگر در وزارت خانهها کسی نیست که داخل متقاعدین باشد یعنی هنوز خدمتش منقضی نشده یا سنش اقتضای گرفتن حقوق تقاعد را ندارد مربوط باین مسئله نیست ولی اگر متقاعد حقیقی است باید اسمش از کتابچه شهریه خارج و در جزء بودجه همان وزارتخانه منظور شود آنوقت صورت متقاعدین را که اینجا آوردند اگر وزیر توانست از آن دفاع کند یعنی گفت فلانکس متقاعد است بجهت اینکه سی سال خدمت کرده است یا اینکه ضعیف و مریض است و چون قانون استهدام نداشتیم صلاح دانستیم حقوق تقاعدی باوداده شود البته جای انکار نیست و در همانجا اگر حقوقش کم است زیاد بشود و اگر زیاد است کم بشود بملاوه اینجا ذکر نکرده اند همان طوری که در وزارتخانهها نوشته شده است داده شود بلکه نوشته اند بعد تصویب شود و وقتی اینجا آمد ما می‌توانیم تصویب کنیم تومانی چهارقران کسر شود یا تمامش داده شود ولی در هر صورت باید آنها باسم متقاعدین در بودجه وزارتخانه ها بمجلس بیاید و تصویب شود نه اینکه در جزء شهریه ها باشد اما اینکه می‌فرمایند اغلب اشخاصی

که اسامی شان در کتابچه شهریه است جزء متقاعدين هستند خير . اينطور نيست زيرا در کتابچه يك قسمت زن و يك قسمت جوان و يك قسمت وراث هستند و مي گويند وقتی کار داريم نمی گيريم و وقتی کار نداريم می گيريم والا اگر وزير کسی را جزء متقاعدين دانست و توانست از او دفاع کند يعنی گفت خیلی زحمت کشيده است من او را حق می دهم جزء متقاعدين نوشته شود بايد اسم او را از کتابچه شهریه خارج کرد و در جزء بودجه وزارتخانه ها آورد اما اگر کسی هست که بيست سال بیشتر ندارد و باسم حقوق تقاعد پول می گيرد در صورتی که خدمت نکرده است البته اسم او را نبايد از اين کتابچه شهریه خارج نمود زيرا متقاعد نيست و فردا وزير از او نمی تواند دفاع کند بنا بر اين اين ماده بسيار خوبی است و متقاعدين بايد در جزء بودجه وزارتخانه ها بجلس بيايد و نيابيد اسم شخص را که خدمت سال خدمت کرده است و حقوق تقاعدی باو داده می شود در ردیف فقرا و ضغفاء نوان قرار بدهند پس حقوق تقاعدی يك مسئله سياسی است و در ممالك خارجه هم شهریه نيست و فقط حقوق تقاعدی است ولی اگر نقرائی در آنجا هستند آنها دارالجزء و دارالایتام و غیره دارند اما کسانی که خدمت کرده اند آنها موضوعشان علی حده است و داخل در متقاعدين هستند پس اين ماده بسيار خوب است و بايد اسم متقاعدين را کدر کتابچه شهریه نوشته شده است از آنجا خارج کرد و در جزء بودجه وزارتخانه ها منظور داشت و در آنجا اگر حقوق آنها زياد است کسر کنند يا اگر کم است زياد کنند و بعد صورت آنها را بجلس بياورند و بجلس هر طور صلاح می داند تصويب نمايد

رئيس . چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند گمان نمی کنم باین زودی خانه پيدا کند و از آن طرف هم آقای رئيس الوزراء بعضی اظهارات فوری دارند اگر مخالفی نياشدين مذاکرات بماند برای به از اظهارات ایشان

رئيس الوزراء . چون ديروز در مجلس راجع بکمیانی آمریکائی که نماینده آن در طهران است مذاکراتی شده و گفته شده است کاغذی از طرف آن کمیانی بجلس رسیده است بنده می خواستم تقاضا کنم آن کاغذ در مجلس قرائت شود و چیزی بر آيد ان مکتوم نماند ولی امر وزديم ترجمه در روزنامه ايران آزاد نوشته شده است باین صورت تقاضای بنده بی مورد است ولی همین قدر عرض میکنم تا کنون مذاکرات با دو کمیانی آمریکائی در جریان بوده است فعلا پیشنهادهای قطعی هر دو کمیانی را ما درست داريم لیکن قبل از آنکه پیشنهاد ملی دولت راجع باین امتیاز بجلس بيايد

از آقای رئيس مجلس تقاضا می نمايم يك کمیسیون شش نفری انتخاب بکنيد که در مطالعات با دولت شرکت داشته باشد و کمک کند و بعد پیشنهاد قطعی دولت بجلس تقديم خود

رئيس . آقای حاج شيخ اسدالله (اجازه)

حاج شيخ اسدالله . در جلسه ديروز اينجا گفته شد کاغذی از طرف نماینده کمیانی آمریکائی راجع بامتیاز نطق شمال بجلس رسیده است و آقای رئيس هم فرمودند کاغذی آمده است ترجمه ميشود و در جلسه بعد قرائت می شود حالا اگر ترجمه شده دليلی برای قرائت آن نمی بینم ولی بنا بود امروز در این زمينه صحبت بشود و بنده هم تقاضا کردم هيئت دولت هم حاضر باشد و حالا بنده بنوبه خودم نظریات خودم را عرض خواهم کرد .

البته دولت و تمام نمایندگان ملت تصدیق میفرمایند یکی از قضایا و اموری که اگر از روی دقت و بصیرت در آن اقدام شود سبب سعادت این مملکت خواهد بود و برعکس اگر يك چیزی غفلت و تسامحی در این امر بشود ممکن است از آن بابت ضرر های اقتصادی و سیاسی برای این مملکت روی دهد .

همین مسئله امتیاز نطق خواهد بود پس هر چه نمایندگان محترم در این باب تحقیق و دقت نمایند و بفوریت با کمال دقت پیشنهاد هائی که از طرف کمیانیهای آمریکائی شده است رسیدگی کرده و نظریات خودش را بجلس تقديم نماید خیلی بمورد است

زیرا ممکن است در تاخير این امر مشکلاتی تولید شود و مخطورانی پیش بيايد که موقع استفاده از بین برود و چون مذاکره در این امتیاز تقریباً نه ماه یا ده ماه طول کشیده است و همین قسم بلا تکلیف مانده است و نمایندگان ملت که یکی از آنها بنده هستم کاملاً از وضع جریان این امتیاز بی خبر بوده ایم و حق هم داشتند در این باب نگرانی باشند .

چون این امر خیلی طول کشیده است و ممکن است تاخيرش اسباب اشکالاتی بشود این بود که در اینجا مطرح مذاکره شد و بعضی آقایان اظهار داشتند بایستی در مجلس مذاکره شود بنده هم همین عقیده را داشتم که بایستی در مجلس با حضور هيئت دولت مذاکره شود و بنده نسبت به هم خودم از آقای رئيس الوزراء تشکر میکنم که فرمودند پیشنهادهای هر دو کمیانی حاضر حاضر است و بدولت رسیده است .

ولی چون برای امان نظر در آن پیشنهادها تقاضای انتخاب يك کمیونی از مقام ریاست نمودند که قبلاً بکم و هم راهی

آنها در این باب مذاکراتی بشود و يك تصویب قطعی اتخاذ نمایند . بنده عقیده ام این است که دولت هیچ محتاج کمیون نسبت و خودش باید در اطراف پیشنهاد های این دو کمیانی امان نظر فرموده یعنی وظیفه دولت است که هر چه بنظرش میرسد بجلس پیشنهاد کند البته وقتی پیشنهادات دولت بجلس آمد و تصویب دولت معلوم شد در صورتیکه موافق صلاح باشد بجلس هم موافقت خواهد کرد ولی قبل از هر چیز باین دولت خودش يك تصویبی اتخاذ کند و باید بدون مشارکت مجلس اقداماتی نموده نظریه خودش را بجلس کند .

زیرا بنده معتقدم هر چه زودتر این کار خاتمه پيدا کند و اگر بنا شد يك کمیون در مجلس انتخاب شود که با دولت شرکت نماید تصور می کنم خیلی طور بکشد و دولت هم در نعت تاثیر نظر نمایندگان نتواند تصویبی اتخاذ کند ولی وقتی دولت خودش مستقیماً رسیدگی کند البته زودتر میتواند تصویبی اتخاذ نماید و نظریه خودش را بجلس پیشنهاد کند و بنده باین کمیون معتقد نیستم و آنرا سلب تأخیر کار میدانم عقیده بنده است که دولت خودش در این باب رسیدگی کرده پیشنهاد خودش را بجلس تقديم نماید وقتی که بجلس آمد در کمیون مربوطه مطرح و بجلس راهورت خواهد داد

رئيس . آقای کارزانی (اجازه)

آقا میرزا علی کارزانی . بگانه وسیله امپدواری ماهمین طور که فرمودند امروز نطق شمال است و امپدواری بسیاری از خرابی های خودمان را بوسیله همین نفت شمال اصلاح کنیم

آقای رئيس الوزراء از مقام ریاست تقاضای انتخاب يك کمیسیون شش نفری نمودند . اولاً این شش نفری که انتخاب میشوند با دولت در رسیدگی بپیشنهاد های این دو کمیانی شرکت کنند رای آنها تأییدی ندارد و آراء سایر نمایندگان بجای خود باقی است پس وجود آنها چه نتایجی دارد؟ يك متخصصینی هم در مجلس سراغ نداريم که نظریه تخصصشان دولت خواسته باشد از معلومات آنها استفاده کند . بملاوه کمیسیون خارجه و کمیسیون فوائد عامه هم هست و ممکن است دولت با آنها مذاکراتی که لازم میدانند بنماید از طرف دیگر اگر کمیسیون شش نفری انتخاب شود اسباب بطور کار ميشود و عقیده بنده این است دولت با اختیاراتی که دارد مشغول رسیدگی به پیشنهادات این دو کمیانی بشوند و نتیجه قطعی خودشان هر چه زودتر بجلس تقديم نمایند .

رئيس . آقای سلیمان میرزا

(اجازه)
سلیمان میرزا . عرضی ندارم
رئيس . آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان . بنده خیلی متأسفم از اینکه آقای حاج شيخ اسدالله فرمایشی فرمودند که بر خلاف اصل سی و چهارم قانون اساسی است . آقای رئيس الوزراء از مقام ریاست مجلس تقاضا کردند يك کمیسیون شش نفری انتخاب نمایند که با دولت در رسیدگی بپیشنهادات این دو کمیانی شرکت نماید و يك تصویبی نسبت به آنها اتخاذ کند و آقای حاج شيخ اسدالله اظهار نمودند این کمیسیون لازم نیست ولی بر عکس عقیده بنده آن است که بموجب اصل سی و چهارم قانون اساسی آقای رئيس الوزراء حق دارند تقاضای چنین کمیونی بکنند و آقای رئيس مجلس هم حق دارند آن کمیسیون را انتخاب نمایند

رئيس . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب . بنده موافقم با شاهزاده اقبال السلطان و تعجب می کنم از آقای حاج شيخ اسدالله در صورتی که قانون اساسی صریحاً این حق را بدولت داده است .

رئيس . آقای نجات (اجازه)

آقا میرزا محمد نجات . آقای رئيس الوزراء يك تقاضائی می فرمایند که سابقه هم دارد و مکرر دولت های وقت تقاضای انتخاب کمیسیون از مجلس نموده اند ولی کمیسیون فوائد عامه و کمیسیون خارجه هم هست و دولت هر کدام از آنها را مقتضی بدانند ممکن است مسائلشانرا در این کمیسیونها مطرح نمایند . اما حالا که می فرمایند يك کمیسیون شش نفری انتخاب شود البته باید این کمیسیون را تشکیل دهد و در آنجا مسائل راجع بدو کمیانی طرح شود . گذشته از این بکمیسیون اختیار تامی داده نمی شود و بعد از آنکه مسئله در کمیسیون مطرح شد و تصویبی اتخاذ نمود راپورت خودش را به مجلس می آورد .

رئيس . آقای رئيس التجار

رئيس التجار . بنده موافقم

رئيس . آقای شيخ المراقین زاده

شيخ المراقین زاده . بنده مخالفم

رئيس . بفرمائيد

شيخ المراقین زاده . بنده عقیده بنده

آقای حاج شيخ اسدالله نخواستند يك حقی را از دولت سلب کنند و قانون اساسی هم این حق را بدولت داده است که در هر موقه آمد لازم می داند تقاضای انتخاب کمیونی بکند که از مقام ریاست بنماید ولی معذک و بجلس

است برای مجلس

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .

شیخ العراقین زاده - و کمیسیون باید از طرف مجلس انتخاب شود . رئیس الوزراء - نباید انتخاب شود .

شیخ العراقین زاده - اساسی و چهارم قانون اساسی این است

رئیس - مجلس می تواند بر حسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضای مجلس یا وزیری اجلاس محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند . اینجا اجلاس محرمانه تقاضا نشده است و اینجا قید می کند که رئیس مجلس می تواند عده برای اجلاس محرمانه تعیین کند و این کمیسیون فقط برای کمک بادول است که دولت بتواند نظریه صحیح اتخاذ کند و پیشنهاد خودش را به مجلس تقدیم نماید و برای این قبیل مسائل دو کمیسیون در مجلس است یکی کمیسیون خارجه و یکی کمیسیون فوائد عامه و دولت می تواند با هر کت آنها پیشنهادی به مجلس تقدیم نماید بنا بر این دیگر لازم نیست يك کمیسیون دیگری از مجلس انتخاب شود زیرا آن کمیسیون همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند ممکن است سلب بطور کارشود و عقیده بنده این است که این کمیسیون لازم نیست و دولت باید هر چه زودتر نظریه خود را به مجلس پیشنهاد کند که در مجلس شورای ملی مطرح شود

رئیس آقای آصف الممالک

(اجازه)

آصف الممالک بنده گمان می کنم مقصود آقای حاج شیخ اسدالله این نبود که تشکیل کمیسیون مخالف با قانون اساسی است ولی قصد ایشان این بود که کمیسیون اسباب تعویق کار است والا مطابق قانون اساسی آقای رئیس الوزراء حق تقاضای انتخاب کمیسیون از مجلس را دارند و آقای رئیس هم می توانند تعیین نمایند

رئیس آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - مطابق اصل سی و چهارم قانون اساسی آقای رئیس الوزراء می تواند از مقام ریاست تقاضای انتخاب کمیسیون بنماید ولی اگر این کمیسیون از طرف مجلس انتخاب شود بمقیده بنده اسباب تعویق کار می شود بنا بر این بنده مخالف با انتخاب این کمیسیون از طرف مجلس هستم ولی اگر مقام ریاست يك عده را بر حسب تقاضای دولت تعیین فرمایند من مخالف نیستم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرض می کنم که مطابق قانون اساسی این کمیسیون تقاضا شده است و سابقه هم دارم ولی آقای حاج شیخ اسدالله از دولت تقاضا می نمایند انتخاب این کمیسیون را نخواهند منتهی اگر آقای رئیس الوزراء صلاح نمی دانند تقاضای ایشان را قبول نمایند قبول نکنند ولی آنچه بنده فهمیدم مقصود آقای رئیس الوزراء هم این نبود که از طرف مجلس انتخاب شود بلکه مقصود شان این بود آقای رئیس انتخاب نمایند .

رئیس - گمان می کنم باید باین مسئله خاتمه داده شود و بر حسب همان ماده که قرائت شد آقای رئیس الوزراء می توانند تقاضای انتخاب کمیسیون بنمایند و بنده هم حق دارم معین کنم و اینکه به مجلس مراجعه شد فقط بمنابهت مذاکراتی بود که دیروز در مجلس شد و محض اینکه آقایان مطلع باشند پیشنهادات هر دو کمیسیون معین میشود که در آنجا مشورت بشود بعد بطور رسمی به مجلس می آید و بکمیسیونهایی که باید برود رجوع میشود گویا این مسئله ختم باشد

آقای محمد هاشم میرزا - راجع بماده ششم اظهاری دارید محمد هاشم میرزا - پیشنهاد کرده ام دیگر عرضی ندارم

رئیس الوزراء - بنده چون میخواهم بروم آقای منصور السلطنه را به معاونت وزارت عدلیه معرفی مینمایم

رئیس - آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - بنده خیلی تعجب می کنم از این که آقایانی که موافقت با رایورت کمیسیون بودجه اظهار مخالفت میکنند . . اساساً هیچ کس مخالف این مسئله نیست اشخاصی که همشان در خدمت بدولت صرف کرده اند دولت بآنها حقوق بدهد ولی گفتگو ما در مسئله دیگر است اساس و فلسفه شهریه هاشم در کمیسیون قدمت خدمت بود و مسئله فقر را مارد کردیم و این مواد هفت گانه پیشنهاد کردیم و در کن ر کین تصویب حقوق خدمت است و پس حالا چه شهریه باشد چه انتظار خدمت و حالا که ما شهریه ها را تصویب کردیم می خواهند آن اساس را از بین ببرند ولی حقوق تقاعد در محل خودش بجا است ما صحبت از اشخاص میکنیم که امروزه از دولت حقوق می گیرند یا بعنوان خدمت یا بعنوان قدمت و یا بعنوان فقر و چنانچه ما از این اشخاص در وزارت فوائد عامه و پست هم داریم و اگر چه بنده در کمیسیون بودجه هم صحبت کرده ایم و گفته ام که وزارت فوائد عامه اصلاً مشکوک است و

معلوم نیست وزارتخانه است یا نه آنوقت در این وزارت خانه که چند سال پیش نیست تاسیس شده اشخاص متقاعد داریم مثلاً عدلیه که اداره جدید تاسیس و هشت سال بیشتر نیست تاسیس شده چهار هزار تومان حقوق تقاعد دارد . در این جا خلط مبحث میشود زیرا می بینم از ابتداء امر که مسئله شهریه ها مطرح شد اینطور قرار بود که تمام شهریه بگیر ه های وزارت خانه ها اهم از وزارت خارجه و عدلیه و فوائد عامه همه يك كاسه بشود و هر قراری راجع بشهریه ها داده میشود تمام بيك منوال باشد و از تمام آنها بيك عنوان صحبت میشود ولی بعد بعضی صحبت کردند برای اینکه بودجه مرتب باشد خوب است شهریه بگیر ه های وزارتخانه ها بروند و از اداره خودشان شهریه خودشان را بگیرند ما هم چندان اهمیت ندادیم و حرفی نزدیم و طوری گفتند که معلوم بود تصویب خواهد شد شهریه بگیر هر وزارتخانه از همان محل وزارتخانه خودش حقیق بگیرد ولی هر قراری راجع بشهریه ها داده شود شامل آنها هم باشد . حالاً بعد از اینکه ما این قانون هفت ماده را گذرانده ایم تازه آقایان پیشنهادهایی می کنند مثل اینکه پیشنهادی هم شاهزاده سلیمان میرزا کرده اند ولی آنها می که رای دادند باین داشتند چون حقوق اغلب اجزاء وزارتخانه ها بعنوان تقاعد نیست داخل در این مواد خواهند بود و بعد که انشاالله الرحمن قانون استخدام از مجلس گذشت و تمیز اشخاص داده شد معلوم شد در وزارتخانه ها چند نفر اشخاص هستند که بآنها باید حقوق تقاعد داده شود حقوق تقاعدی برای آنها کسر نخواهد شد لیکن عیالنا آنچه شهریه بگیر است از قبیل حکام و محافظ و شاهزاده و ارباب خدمت و غیره و بالاخره متقاعدین لفظی که معلوم نیست اظهارشان صدق است یا نه همه مشمول این مواد باید باشند عقیده شخص خود بنده این است و

ایر آقایان هم همین عقیده را دارند

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات حاج نصیر السلطنه - اجازه میفرمائید توضیحی عرض کنم زیرا آقای حاج شیخ اسدالله فرمایشی فرمودند که کمیسیون بودجه ناچار است دفاع کند

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است و پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این مواد بطور کلی بدون استثناء اجراء شود . نسبت

معلوم نیست وزارتخانه است یا نه آنوقت در این وزارت خانه که چند سال پیش نیست تاسیس شده اشخاص متقاعد داریم مثلاً عدلیه که اداره جدید تاسیس و هشت سال بیشتر نیست تاسیس شده چهار هزار تومان حقوق تقاعد دارد . در این جا خلط مبحث میشود زیرا می بینم از ابتداء امر که مسئله شهریه ها مطرح شد اینطور قرار بود که تمام شهریه بگیر ه های وزارت خانه ها اهم از وزارت خارجه و عدلیه و فوائد عامه همه يك كاسه بشود و هر قراری راجع بشهریه ها داده میشود تمام بيك منوال باشد و از تمام آنها بيك عنوان صحبت میشود ولی بعد بعضی صحبت کردند برای اینکه بودجه مرتب باشد خوب است شهریه بگیر ه های وزارتخانه ها بروند و از اداره خودشان شهریه خودشان را بگیرند ما هم چندان اهمیت ندادیم و حرفی نزدیم و طوری گفتند که معلوم بود تصویب خواهد شد شهریه بگیر هر وزارتخانه از همان محل وزارتخانه خودش حقیق بگیرد ولی هر قراری راجع بشهریه ها داده شود شامل آنها هم باشد . حالاً بعد از اینکه ما این قانون هفت ماده را گذرانده ایم تازه آقایان پیشنهادهایی می کنند مثل اینکه پیشنهادی هم شاهزاده سلیمان میرزا کرده اند ولی آنها می که رای دادند باین داشتند چون حقوق اغلب اجزاء وزارتخانه ها بعنوان تقاعد نیست داخل در این مواد خواهند بود و بعد که انشاالله الرحمن قانون استخدام از مجلس گذشت و تمیز اشخاص داده شد معلوم شد در وزارتخانه ها چند نفر اشخاص هستند که بآنها باید حقوق تقاعد داده شود حقوق تقاعدی برای آنها کسر نخواهد شد لیکن عیالنا آنچه شهریه بگیر است از قبیل حکام و محافظ و شاهزاده و ارباب خدمت و غیره و بالاخره متقاعدین لفظی که معلوم نیست اظهارشان صدق است یا نه همه مشمول این مواد باید باشند عقیده شخص خود بنده این است و

ایر آقایان هم همین عقیده را دارند

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است و پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این مواد بطور کلی بدون استثناء اجراء شود . نسبت

بمتقاعدین هر گاه دولت مقتضی بداند پیشنهاد مخصوص تقدیم نماید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - مذاکراتی که شد بطوریکه آقایان مذاکره فرمودند اگر در حق متقاعدین بمعنی حقیقی رفتار شود هیچ مغالطی ندارد و بنده هم رای میدهم منتهی در هر وزارت خانه پنجاه یا شصت یا هفتاد نفر متقاعد است و باید دولت صورت آنها را بدهد که در هر وزارتخانه چند نفر متقاعد هست و ولایتی تقاعد آنها را هم ذکر کند که مثلاً فلانکس هشتاد سال خدمت کرده و فلانقدر باید حقوق تقاعد بگیرد . آنوقت بنده رای خواهم داد

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا . آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم قبی رسیده است . قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده پیشنهاد می کنم شهریه هائی که از باب حقوق تقاعدی در باره مستخدمین دولت برقرار شده تمام پرداخته شود لیکن پس از گذشتن قانون استخدام مشمول مواد قانون مزبور خواهد بود (ابراهیم قبی)

رئیس - توضیح بدهید

آقا میرزا ابراهیم قبی - فعلاً چون معلوم نیست متقاعدین حقیقی کجها هستند عقیده بنده این است است حقوق آنها را هم مثل شهریه بپردازند بعد از گذشتن قانون استخدام آنوقت مشمول آن قانون بشود و بنده عقیده ندارم که بوزارتخانه ها برگردانند

رئیس آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - همین مطلب ما به اختلاف است . خوب بود آقایان اول رای بدهند که تمام شهریه قطع شود تا همه آسوده شوند بنده عرض کرد اغلب شهریه ها بیشتر بنام حقوق تقاعد داده می شود و هیچکس منکر این مسئله نیست چنانچه در تمام دنیا هم همین اصل مجری و معمول می دارند . زیرا انصافاً وجدانا و قانوناً باید به متقاعد حقوق داد

بنده عرض می کنم صورتی که در کنار شهریه هست مستحق واقعی نیستند و میفرمائید هستند . بنده عقیده ام این است تا موقعی که قانون استخدام نگذرد از کلیه شهریه ها تومانی چهار تومان کم شود تا بعد مصابیح آن معلوم شود

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه

حاج نصیر السلطنه - بنده عرض می کنم که در این مورد باید به متقاعدین حقوق داد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا - مذاکراتی که شد بطوریکه آقایان مذاکره فرمودند اگر در حق متقاعدین بمعنی حقیقی رفتار شود هیچ مغالطی ندارد و بنده هم رای میدهم منتهی در هر وزارت خانه پنجاه یا شصت یا هفتاد نفر متقاعد است و باید دولت صورت آنها را بدهد که در هر وزارتخانه چند نفر متقاعد هست و ولایتی تقاعد آنها را هم ذکر کند که مثلاً فلانکس هشتاد سال خدمت کرده و فلانقدر باید حقوق تقاعد بگیرد . آنوقت بنده رای خواهم داد

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا . آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم قبی رسیده است . قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده پیشنهاد می کنم شهریه هائی که از باب حقوق تقاعدی در باره مستخدمین دولت برقرار شده تمام پرداخته شود لیکن پس از گذشتن قانون استخدام مشمول مواد قانون مزبور خواهد بود (ابراهیم قبی)

رئیس - توضیح بدهید

آقا میرزا ابراهیم قبی - فعلاً چون معلوم نیست متقاعدین حقیقی کجها هستند عقیده بنده این است است حقوق آنها را هم مثل شهریه بپردازند بعد از گذشتن قانون استخدام آنوقت مشمول آن قانون بشود و بنده عقیده ندارم که بوزارتخانه ها برگردانند

رئیس آقای حاج نصیر السلطنه

(اجازه)

(اجازه)

حاج نصیرالسلطنه اگر اجازه فرمائید در موقعی که وقت بدست آمده است در زمینه فرمایشاتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در ضمن بیانات خود نظریات کمیسیون را هم عرض برسانم اینک می فرمایند نظریات آقایان این بوده است البته در هر قضیه هم مخالف هست و هم موافق منتهی آن روزیکه در کمیسیون بودجه این جلسه تشکیل شد عده حضار یازده نفر بودند و آقایان آقا سید فاضل آقای حاج شیخ اسدالله و صدرالاسلام و محمد هاشم میرزا در آن میان مخالف بودند و در نتیجه مذاکرات زیادی که بعمل آمد بالاخره آقای نصرت الدوله پیشنهادی کردند و آقایان آشتیانی، منتصرالملک، امیرناصر، هادالسلطنه طباطبائی موافق بودند. حتی آقای رئیس التجار هم که در آن موقع غیبت فرموده بوده اند کتباً نظریات خود را نوشته و فرستادند که بایشهاد آقای نصرت الدوله موافقم. بنده هم که شخصاً موافق بودم روی هم رفته از یازده نفر اعضای کمیسیون چهار نفر مخالف و مابقی موافق بودند و این تعبیر را که آقای حاج شیخ اسدالله می فرمایند نظریاتی بود که خودشان در نقایشان داشتند ولی سایر رفقای بنده که تبادل افکار با آنها کرده ایم هیچ این نظر را نداشته اند تمام مقصود نقطه نظر این بود که بنا بر پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا نام شهریه اجزاء وزارت خانه ها برگشت کند بوزارت خانهای خودشان و تا موقعی که قانون استخدام از مجلس شورای ملی نگذشته حقوق آنها موافق معمول پرداخته شود بعد از آنکه قانون استخدام از مجلس گذشته مطابق مقررات قانون مزبور رفتار شود. این نظری بود که در آنجا بیان شد و شاید آقایان موافقین هم که بنده موافقتشان را حالا عرض کردم عرض بنده را انکار و تکذیب فرمائید. مقصود جمله شخص محترم آقای حاج شیخ اسدالله نیست بلکه فقط خواستم خاطر مبارکش را متذکر شوم که مقصود کمیسیون این بود. راجع باصل مطلب هم همین طور است که مذاکره شد مقصود این بود که شهریه متقاعدین در بودجه وزارتخانه ها منظور شود تا موقعی که قانون استخدام از مجلس میگذرد رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی آقایانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند بنام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری است از طرف آقای منتصرالملک قرائت می شود

(آقای منتصرالملک پیشنهاد خودشان را بمضمون ذیل قرائت نمودند بنده پیشنهاد می کنم متقاعدین وزارتخانه ها که فعلاً در جزم

بودجه وزارت خانه ها پیشنهاد شده و بتصویب کمیسیون رسیده است از مسواد هشت گانه مستثنی باشد یعنی تمام پرداخته شود تا قانون استخدام بگذرد و مشمول قانون مزبور شوند ولی حقوقاتی که در کتابچه شهریه است مشمول مواد باشد.

منتصرالملک
رئیس - آقای منتصرالملک (اجازه)

منتصرالملک - بنده چون خودم عضو کمیسیون بودجه هستم و از این مذاکرات و اختلافاتی که بین آقایان شده کاملاً مستحضرم عرض می کنم که اکثریت اعضاء کمیسیون بودجه باین ماده که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است رأی داد و یکی از رأی دهندگان هم خود بنده بودم و مخالفت کلی بین نظریه آقایان تصور نمی کنم باشد آقایانی که نظر دارند کلیه حقوق متقاعدین مشمول این ماده هفت گانه شود تصور می فرمایند فردا قسمت اعظم این شهریه بعنوان حقوق تقاعدی بودجه وزارتخانه ها شود آنوقت این ترتیبی که مجلس داده است که تومانی چهارقران کسر شود شامل آنها نمی شود و از حقوق آنها تومانی چهارقران کسر نخواهد شد و بعنوان حقوق تقاعد تمام می گیرند و فقط چند نفر معدودی باقی میمانند که از حقوق آنها کسر خواهد شد بنابراین بنده اینطور پیشنهاد کرده ام چون آقایان مستحضرند که اگر وزراء می دانستند که اشخاصی که حالا در دفتر شهریه منظور است جزء متقاعدین رسمی وزارتخانه هستند البته در جز بودجه وزارتخانه های خودشان پیشنهاد می کردند چنانچه وزارت عدلیه و وزارت فواید عامه و خارجه متقاعدین وزارتخانه های خود را در بودجه های خود پیشنهاد نموده اند اهم از این که این حقوق بر طبق یک ترتیب قانونی داده شده باشد ولی از طرف دیگر یک حقوق هم در دوره های مجلس در باره یک عده در کمیسیون بودجه و مجلس تصویب شده و از برای یک عده دیگر هم دولتهای وقت از نقطه نظر مصلحت حقوقی برقرار کرده و در کتابچه شهریه آنها را ثبت کرده اند پس اگر پیشنهاد بنده تصویب شود چندان ضرری بدولت وارد نمی آید و امید است قانونی استخدام هم تا یکی دو ماه دیگر از مجلس بگذرد و تکلیف همه معلوم شود بملاوه الان هم پول نقدی حاضر نیست که فوراً باین متقاعدین داده شود بنابراین بنده تصور می کنم خوب است طرفین موافقت فرمایند متقاعدینی که حقوق آنها در بودجه وزارتخانه ها مین شده و کمیسیون بودجه هم رای داده است فعلاً آنها را از مشمول این مواد هفتگانه موقتاً مستثنی بدانند تا وقتی که قانون استخدام از مجلس بگذرد

ولی اگر در جزء شهریه ها اشخاصی هستند که بعنوان حقوق تقاعدی چیزی دریافت میکنند بهمین حال باقی باشد و مشمول این مواد باشند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده نفهمیدم چرا باید تبعیض بشود هر که اسمش در دفتر شهریه آمده تومانی چهارقران کسر شود و کسانی که در وزارتخانه ها میگیرند کسر نشود.

بملاوه بنده هر چه تصور می کنم نمیفهمم در این ده بیست روز که قانون استخدام از مجلس گذشت چه ضرری متوجه مملکت خواهد شد اگر دوازده یا بیست و چهار تومان کمتر یا زیادتر بگیرند و نمیدانم چرا این مطلب بنظر آقایان اینقدر مهم آمده است بعضی از آقایان با اساس شهریه مخالف بودند خیلی زحمت کشیدیم تا قبول کردند حالا چرا در جزئیاتش اینطور اصرار می کنید؟ چون عقیده من این است که این پیشنهاد موضوع ندارد ولی منطبق است لذا بنده مخالفم و عقیده ام این است که بهیچوجه تبعیض را نباید قابل شد زیرا اگر حقوق اشخاص که بعنوان تقاعد دریافت بنمایند بر گردد بوزارتخانه ها تمام زحماتی که ما کشیده ایم بهدر میرود و مسئله آشنائی و خصوصیت بیان می آید و در نتیجه شمهه وقت کمیسیون و مجلس را تلف کرده بمقصد هم نرسیده ایم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چون آقای حاج نصیرالسلطنه فرمایشی فرمودند بنده مجبورم دفاع کنم و بعد داخل در اصل موضوع شوم یک قسمت از مذاکرات کمیسیون بودجه را شاهزاده نصرت الدوله فرمودند و یک قسمت پیشنهادی بود که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند ورد شد بنده تبصره را می خوانم تا ملاحظه فرمائید اصل ماده چیست

رئیس - چاپ شده لازم بخوانند نیست

حاج شیخ اسدالله - بسیار خوب مقصود این است که شاهزاده سلیمان میرزا در جلسه گذشته پیشنهاد نمودند مادام که قانون استخدام نگذشته حقوق تقاعدی و وظایف تمام پرداخته شود و از طرف کمیسیون رد شد

(خطاب بآقای حاج نصیرالسلطنه) اگر غیر از این است بفرمائید غیر از این است آنوقت پیشنهاد شد حقوق کلیه اشخاصی که بعنوان تقاعد در این کتابچه نوشته شده

جزوه بودجه وزارت خانه ها شود و در جزوه بودجه آنها پیشنهاد شود و بعد مجلس تصویب کند والا اگر بنا بود تمام پرداخته

شود همان پیشنهادی بود که شاهزاده سلیمان میرزا کردند و کمیسیون رد کرد اینصورت بنده کدام خلاف واقع را عرض کردم که به بنده حمله می کنید؟

رئیس - شامدر موضوع پیشنهاد آقای منتصرالملک اجازه خواستید ولی مطلبی را که اظهار نمودید خارج از موضوع بود

حاج شیخ اسدالله - موضوع مذاکرات این بود که تا قانون استخدام نگذشته تمام پرداخته شود بنده عرض کردم سابقاً نظر بعضی این بود و در کمیسیون رد شد و نیز عرض کردم باید تمام حقوق متقاعدین این کتابچه شهریه مشمول این مواد باشد و این استثنائی که قائل می شویم خوب نیست و باید تمام شهریه های یکی باشد

رئیس رای می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای منتصرالملک آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای امین الشریعه در حقیقت راجع بحدف است قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا قانون استخدام نوشته نشده است از تمام تومانی چهارقران کسر شود.

پس از وضع قانون استخدام آنوقت تفکیک شود متقاعدین از غیر متقاعدین و از حقوق متقاعدین پس از تشخیص چیزی کسر نشود.

رئیس - (خطاب بامین الشریعه) اگر ماده حذف شود در واقع این مقصود جناب عالی حاصل خواهد شد. پس دیگر لازم نیست رای بگیریم.

مخبر - ماده ششم پیشنهاد هفت ماده که آقایان پیشنهاد کرده اند همین مقصود را تقریباً تأمین کرده و برای اینکه باز یک اشکالات و سوء تفاهمی نشود بنده توضیحی عرض میکنم.

اختلاف نظر ما بین آن ماده کمیسیون که حالا پیشنهاد شده این است که مقصود از پیشنهاد کمیسیون این است حقوق متقاعدین را از اینجا خارج و بودجه های وزارتخانه ها بشود بعد مورد تصویب واقع شود. نه این که بطور مطلق هر کس با اسم حقوق تقاعد یک شهریه گرفته یا می گیرد تومانی چهارقران کسر شود ما نخواستیم اینطور بگوئیم یا خواستیم بگوئیم حقوق متقاعدین از کتابچه شهریه خارج شود و وقتی خارج شد دو مسئله شامل آنها خواهد بود. یکی اینکه مواد مربوطه به شهریه ها شامل آنها نخواهد شد. و دیگر اینکه وقتی در جزوه بودجه وزارتخانه ها بکمیسیون بودجه آمده کمیسیون بودجه در آنها فوراً رسیدگی میکنند اگر صحیح بود تصویب و بمجلس

پیشنهاد میکنند و اگر مجلس تصویب کرد آنوقت حقوق است و بآنها باید داده شود و مثل آن پنجاه تومان یا صد تومانی خواهد بود که بفلان رئیس دائره بامدیر وزارت خانه داده میشود یعنی مطابق قانون کلی بودجه رفتار خواهد شد

رئیس - باید بماده ششم رأی بگیریم . آقا میرزا محمد نجات - بنده يك سؤالی دارم .

رئیس - بفرمائید آقا میرزا محمد نجات - در این ماده اینطور می نویسد که اجزاء متقاعد وزارت خانه ها که در کتابچه اسم برده شده است از این کتابچه خارج شود و بعد بتصویب برسد . بنده می خواستم سؤال کنم در بین این که اسامی اشخاص را از کتابچه خارج می کنند تا اینکه قانون استخدام از مجلس بگذرد و بعد حقوق آنها تصویب شود و در این بین حال آنها چه خواهد بود

(یک نفر از نمایندگان - پرداخته میشود)

نجات - ولی اینجا چیزی فید نشده که پرداخته می شود خوب است توضیحی داده شود تا رفع اشکال بنده بشود

مضرب - اگر يك بودجه بمجلس آمد و مورد تصویب واقع شد برای این است که بعد پرداخته شود مثلا حقوق متقاعدین وزارت خارجه می رود جزء بودجه خارجه و بعد بمجلس می آید اگر مجلس تصویب کرد البته باید پرداخته شود

نجات - در این مدت که هنوز تصویب نشده چه حالی خواهد داشت ؟ آیا در این مدت مشغول این مواد هفت گانه خواهد بود یا خ .

رئیس - (خطاب بآقای نجات) بدون اجازه که نمی شود حرف زد . در این پیشنهاد گمان نمی کنم بتوان رأی گرفت (خطاب بآقای امین الشریعه) در صورت حذف ماده ششم گویا مقصود جناب عالی حاصل میشود .

امین الشریعه - بلی رئیس - رأی می گیریم بماده ششم بترتیبی که دیروز از کمیسیون راپورت داده شده و قرائت میشود .

ماده ششم - اعضاء متقاعد وزارت خانه ها که حقوق آنها جزو کتابچه شهریه قلمداد شده باید از آنها خارج و در جزو بودجه خود وزارت خانه پیشنهاد و مورد تصویب شود پس از گذشتن قانون استخدام تمام متقاعدین مشغول آن قانون خواهد بود .

رئیس - رأی می گیریم باین ماده ، آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . بالطبع پیشنهاد

آقای ندین هم از بین می رود رئیس - راجع بماده هفتم يك قسمتی را دیروز رأی دادید و حالا باید از لفظ ابتداء تا انتها که دیروز قابل توجه شد رأی گرفته شود .

سلیمان میرزا - بنده يك سؤالی دارم ماده ششم راپورت کمیسیون رد شد . ولی به پیشنهاد بنده و سایر آقایان که رأی گرفته نشده است چون يك عده اشخاصی که در آن موقع رأی داده اند به پیشنهاد خودشان رأی بدهند و شاید خواسته اند بآن پیشنهاد که دیروز قابل توجه دانسته رأی بدهند .

رئیس - اگر میخواهید دوباره پیشنهاد کنید . حاج شیخ اسدالله - پیشنهاد اول رأی گرفته شود

رئیس - (خطاب بشاهزاده سلیمان میرزا) توضیح بدهید تا رأی بگیریم

سلیمان میرزا - دیروز وقتی پیشنهاد میکردم اگر آقایان در نظر داشته باشند در ضمن توضیحاتی که از بنده خواستند یادآوری کردم و عرض کردم که آقایان باید یکی از دو کار را بکنند یا اینکه چون این لایحه راجع بشهریه است و بهیچ وجه مسئله حقوق متقاعد در بین نیست اصلا هیچ ماده راجع به حقوق متقاعد ننویسند یا اگر خواستیم بنویسیم آنچه در همه جا معمول است و انصاف و عدالت هم بآن حکم میکند باید او را منظور داشت یعنی کسی در مقابل خدمت حقوق بگیرد یا ورثه کسی که در راه آزادی کشته شده و یا اشخاصی که در راه ملت و در راه فدا کاری شهید شده اند در هیچ جای دنیا مرسوم نیست از این قبیل اشخاص هم تومانی چهار قران کسر شود و عقیده بنده این بود که یکسره قائل شویم که در این کتابچه شهریه حقوق متقاعد نیست و اگر این را قبول کنید تمام مواد واجه بتقاعد از بین می رود و آقا اینکه آقایان می فرمایند در لنت تقاعد يك اشکالی است و اگر قرار شود حقوق متقاعد بدون کسر داده شود آن وقت کسانی هم که حقون تقاعد در باره آنها صدق نمیکند تمام دریافت میدارند بنده عرض میکنم اگر ما بخواهیم این قبیل احتمالات را بدهیم

ممکن است قانون انتخابات را هم ننویسیم بجهت اینکه ممکن است اشخاصی از روی دسائیس و کیل شوند و وکالت آنها بطرز قانونی و از روی واقع نباشد و همینطور ممکن است در قانونی احتمال اعمال دسیسه بدهیم و حال اینکه اینطور نیست ما باید حتی الامکان نظارت داشته باشیم و سعی کنیم که از دسیسه جلوگیری شود . مثلا ممکن است فرض شود کسی که سه روز وزیر شد مطابق تصویب نامه ثلث حقوق وزارت او را باو بدهند و او را جزو متقاعدین فرض کنند خوب ما برای همین اینجا نشسته ایم که نگذاریم این قبیل وسائل و ترتیبات واقع شود پس این قبیل احتمالات در هر چیز حتی مهم ترین چیزها حکم فرماست بنابراین بنده طرفدار این هستم که حقوق متقاعدی تمام پرداخته شود باز هم تکرار میکنم

تصور نشود بنده میل دارم تمام اقلام کتابچه شهریه پرداخته شود . خیر بلکه من از جمله کسانی هستم که عقیده بکسر دارم ولی از آن طرف نمی بینم هر کس متقاعد واقعی و حقیقی است حقوق را در مقابل خدمت گرفته یکشاهی از او کسر شود .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرض کرده در این خصوص هزار گفتگو شده و هزار صغری و کبری چیده شده . بنده خیلی میل داشتم شاهزاده در کمیسیون بودجه تشریف داشتند و پنجاه یا صد نفر اشخاص را که لازم است حقوق تقاعد بگیرند از کتابچه شهریه با بودجه وزارتخانه ها مین کنند که ما هم بفهمیم اینها باید حقوق تقاعد بگیرند و رأی بدهیم .

بنده مکرر ادله خود را عرض کرده ام و ادله ما اینطور نبود که حضرت والا بفرمایند احتمال دسیسه است خیر حضرت والا فراموش کرده اند مافقط نگفتیم احتمال می رود اسباب زحمت بشود که این دلیل را تعقیب کردند و باقی ادله ما را مسکوت عنه گذاشتند .

بنده عرض می کنم اگر می دانند عده هستند که باید حقوق تقاعد بگیرند آنها را خارج نویس کنند بنده هم کاملا موافقم و در اینجا دو مرتبه پیشنهاد کردم که برای سال آینده باید يك فکری کرد و يك کمیسیون هشت نفری تقاضا کردم ولی آن پیشنهاد را رد کردند حالا هم عرض میکنم بااطمینانی که بشاهزاده سلیمان میرزا داریم در این موضوع هر چه را که ایشان معین کردند و فرمودند باید حقوق تقاعد بگیرند ما هم رأی می دهیم ولی نمیشود بواسطه چند نفر صحیح العمل بدویست نفر حقوق داده آخر تصور بفرمائید چه روز يك کسی وزیر شده است يك سیم حقوقش را در حق خودش برقرار کرده است در کدام مملکت است از وحشی و متمدن که این را حقوق تقاعد بگویند

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا که در جلسه گذشته قابل توجه شده بود

کازرونی - تجزیه بفرمایند آقا سید فاضل - رد شد دیگر نمی شود رأی گرفت

رئیس - کی رد شد گمان میکنم چون مدتی است در مجلس تشریف دارید چند دقیقه مجلس تعطیل شود بهتر است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل

و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - در پیشنهاد آقای سلیمان میرزا نمی توانیم رأی بگیریم زیرا ماده

ششم راپورت کمیسیون رد شد و باید قبل از مطلب اصلی رأی گرفته شود بالفعل راتی که گرفته میشود درباره ماده ششم پیشنهاد اولیه است که چند نفر از آقایان امضاء کرده بودند

(بمضمون آنی قرائت شد)

ماده ششم - شهریه هایی که بعنوان حقوق تقاعدی یا انتظار خدمت درباره مستخدمین دولت برقرار شده پس از گذشتن قانون استخدام مشمول مواد قانون مزبور خواهد بود

آقا سید فاضل - عبارت (قبل از گذشتن قانون استخدام) کافی نیست باید نوشته شود (تا گذشتن قانون استخدام)

رئیس - این در صورتی است که پیشنهاد کنندگان همه قبول کنند محمد هاشم میرزا همه قبول دارند

رئیس - در صورتیکه این پیشنهاد قبول شود این اصلاح را باید تمام آن بیست نفر که امضاء کرده اند قبول بنمایند

رئیس التجار - یکدفعه دیگر قرائت شود .

(مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی باید بگیریم باین ماده مضرب - بنده میخواستم توضیحی عرض کنم و آقایان را متوجه کنم باینکه اگر

باین ماده رأی بدهند حکم می کنند که اعضاء متقاعد وزارتخانه ها اعم از اینکه در ادارات فنی مثل تلگرافخانه باشند که سی چهار سال بيك ترتیب منظمی خدمت کرده اند یا در ادارات دیگر از حقوق آنها هم تومانی چهار قران کسر شود

رئیس التجار - ما راجع بشهریه حرف میزدیم .

رئیس - چون مذاکرات را کافی دانسته اند دیگر نمی شود مذاکره نموده

آقایانیکه ماده ششم را بترتیبی که قرائت شد تصویب می کنند قیام بفرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد محمد هاشم میرزا - در این موضوع

سؤالی دارم اجازه بفرمایند عرض کنم .

رئیس - بفرمائید محمد هاشم میرزا - آن پیشنهاد که رد شد این ماده هم که رد شد حالا آنها چه حالی خواهند داشت و کسر تومانی چهار قران شامل حال آنها خواهد شد یا خیر ؟

رئیس - این يك چیزی است که در خارج باید حل کنید .

حالا باید بماده هفتم رأی بگیریم عرض کردم يك قسمت آنرا که دیروز رأی دادیم . حالا باید در قسمت دوم رأی گرفته شود

میشود باید همه بدانند کی این بودجه را بملکیت تحویل کرده و باید اسامی موافقین و مخالفین در صورت مشروح بماند و در هر حال اگر آقایان بفرمایند بایستی باقیام و قعود رأی گرفته شود آنوقت بنده با پنج نفر تقاضا میکنم با ورقه رأی گرفته شود .

محمد هاشم میرزا - مقصود بنده حفظ نظامنامه بود اگر عرض بنده وارد است که بنده هم با شاهزاده سلیمان میرزا موافقم و رأی دهندگان معلوم شود بهتر است .

رئیس - چون تاکنون راجع باین مسائل در مجلس مذاکره نشده حالا برای این سکه اشکال رفع شود خوب است پیشنه‌ها را کنند با ورقه رأی گرفته شود .

(بعضی نمایندگان همه موافقتند)

رئیس - چون در نظامنامه هم نوشته است درجائی که تقاضای وجه داده می شود باورقه رأی میگیرند دیگر نوشته است وجه معین در هر حال باورقه رأی می گیریم

(پیشنهاد آقای سلیمان میرزاو)

سایر آقایان بضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس

امضاء کنندگان ذیل تقاضای کنیم با

ورقه رأی گرفته شود

سلیمان محسن - مساوات - سید

المحققین - ابوالقاسم فیوضات - ناظم العلماء

امین التجار - معتمد التجار

در این موقع اخذ آراء بعمل آمده

آقایان منتصر الملک و امیر ناصر اوراق

را تعداد نموده نتیجه بقرار ذیل حاصل

گردید .

عدد حاضر (۶۹) ورقه سفید هلاکت

قبول (۴۵) ورقه کبود هلاکت رد (۱۴)

امتناع (۱۰)

رئیس - از شصت و نه نفر نمایندگان

حاضر با کثرت ۴۵ رأی تصویب شد

حاج میرزا عبدالوهاب - شصت و دو

نفر برای رأی کافی نیست

رئیس - شصت و نه نفر نه شصت

و دو نفر و شصت نفر برای رأی کافی

است .

(اسامی قبول کنندگان)

آقایان آقا سید فاضل - سالار معظم -

رفت الدوله - قضاة خان - عماد السلطنه

طباطبائی - امین التجار - شیخ المراقین

زاده - فتح الدوله - حاج شیخ محمد حسن -

آقامیرزا محمد صادق طباطبائی - نصیر

السلطنه - اختتام الدوله - جلیل الملک -

آقا سید محمد تقی طباطبائی - رکن الدوله

منتصر الملک - حاج میرزا علی محمد دولت

آبادی - صدرائی - عمید الممالک - نصیر

ایانی نام - شیخ الاسلام ملایری - آقای

(عدد فلیت عماد السلطنه خراسانی - حاج

رئیس - تصویب نعلانی - آقای مدرس -

آقامیرزا ابراهیم قمی - بیان الدوله -
لسان الملک - ملک اراثی - وقار الملک -
اقبال السلطان - صدر الاسلام - ناظم دفتر
بیان الملک - ملک الشعراء آقا سید یعقوب
حاج میرزا تقی خان - آصف الممالک -
آقای تنکابنی - رئیس التجار - امیر
ناصر - قوام الدوله - نصرت الدوله -
حسن خان بلوچ

(اسامی رد کنندگان)

حاج میرزا اسدالله خان - آقای زنجانی
آقای تدین - ناظم العلماء - سلیمان میرزا -
معتمد التجار - مستشار السلطنه -
آقای میرزا علی کازرونسی -
دکتر لقمان - حاج سید المحققین - حاج
میرزا عبدالوهاب حائری زاده معتمد السلطنه
بهاء الملک

رئیس - آقای شیخ الاسلام از وزیر
هدلیه يك سؤال داشتند

شیخ الاسلام اصفهانی - معض این که
سوء تفاهم نشود و اگر هم سوء تفاهمی شده
است رفع شود عرض می کنم که بنده مخالف
با وزارت هدلیه نیستم و وزارت هدلیه را
از مهمترین وزارتخانه ها می دانم و این
تاصیبات فعلی وزارت هدلیه را هم اساساً
ناقص می دانم و بقیه بنده باید اقلاً ادارات
و وایروزارت هدلیه ایران پنج برابر این
باشد فقط نگرانی بنده در سه مسئله است که
بعرض آقایان میرسانم مسئله اول این است
که بنده معتقد باین محاکم قدونیم قدنیستم
تمیز استنباف ابتدائی . صلحه و این بقرنچی
که تازه پیدا شده صلحه ناحیه بنده معتقدم
که دو قسم محکمه برای مملکت ما کافی
است يك قسمت محکمه که بمعنا که متداعین
رسیدگی کنند يك قسمت هم محکمه که
بشکایت متداعین نسبت بقاضی و حکم
رسیدگی کند و این بدیهی است که زیر
از این دو قسمت محکمه دیگری لازم نداریم
برای این که معنا که باین نسبت متداعین است
و باین نسبت بقاضی و حکم در صدر السلام زمان
خلفاء راهدین هم همین قسم بود از بای تخت
اسلامی برای تمام ایالات و ولایات قاضی
معین میکردند با حقوق از بیت المال و اگر
کسی شکایت از يك نفر قاضی میکرد رسیدگی
بآن امر از وظایف مهتمه خلفه بود و
قاضی از هر کجا بود احضار میشد وقاضی و
مدعی را احضار میکرد با حضور جمعی از
کبار صحابه می نشیند تماشاچی هم بست و
بلندرا می گرفت و مشغول معنا که میشدند
آنوقت اگر قاضی خلاف کرده بود او را
سیاست میکردند و اگر مدعی خلاف کرده
بود او را سیاست میرساندند يك مسئله دیگر
که بنظر بنده هست این است که تمام مقدمات
و مؤخرات و تأسیسات همه صحیح است و
چنانچه عرض کردم کم است

آقا سید یعقوب - سؤالتان را

بفرمائید

شیخ الاسلام - (خطاب آقای
رئیس) این چه وضعی است نمیگذارند
آدم حرف بزند اگر این طور است عرض
نکنم .

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - عرض کردم تمام
کم است ولی بنده عقیده دارم رسیدگی
بدعوی را کسی باید بکند که آن شروط و
اوصافی را که بیغیر در حق قاضی معین کرده
آن شخص دارا باشد اهم از اینکه ادعا
بگفان باشد یا صدقان باشد یا يك کرور
ولی در بقیه چیزها بنده موافقت دارم و کمال
میل را دارم که روز بروز دوائر هدلیه بسط پذیر
و منظم تر بشود مطلب سوم که در نظر بنده
است این است که این مواد مدونه که برای
هدلیه نوشته شده است خلاف شرع خیلی
دارد و بطوری که گفته شد برای احدی محل
انکار نیست و خوب است این مواد را که بقول
بعضی تمبیناً و بقول بکفر شبهتاً برخلاف
شرع است بیرون بیاورند و از نظر مجلس
بگذرانند تا قانونیت پیدا کند بنده دیگر
هم اشکالی بوزارت هدلیه ندارم و اگر این
سه مسئله مرتب شود بنده اول مرید و مخلص
وزارت هدلیه هستم حالا سؤال بنده از آقای
وزیر هدلیه راجع بماده (۱۴۸) همین مواد
مدونه که نوشته شده است غیر از موارد ماده
(۱۴۵) در امور شرعیه در صورتی که

متداعین بدو تراضی برسیدگی محاکم
هدلیه بنمایند محکمه رسیدگی خواهد کرد
والا بمحض شرح ارجاع خواهد کرد و
سؤال بنده راجع است باین ماده ولی معض
اینکه تصور نشود چنانچه در اول اشاره کردم
که بنده از عقاید اولیه خود منصرف شده ام
يك جزئی توضیح می دهم و آن این است که
در سابق عقیده بنده با وزیر هدلیه در باب
این مواد مدونه مختلف بوده و عرض
کردم (این کتابچه ها) و وزیر هدلیه
فرمودند (این قانون مقدس) می خواهم
عرض کنم که این کتابچه ها برای اینکه
امروز هم اینها قانون نیست برای اینکه از
مجلس نگذشته و مطابق چندین اصل از
اصول و متمم قانون اساسی قانون باید از
مجلس بگذرد و تمام خونهای يك در این
هفته سال برای قانون اساسی ریخته شد
مرحوم ناصرالدین شاه مظفرالدین شاه
محمد علی شاه هیچکدام حرفی نداشتند که
قانون برای معارف و هدلیه و سایر وزارت
خانهها بنویسند تمام گفتگو و اشکال بر سر
قانون اساسی بود که مملکت مشروطه را
تصریح می کند سلطنت مستقله را بسلطنت
مشروطه تبدیل می کند و مطابق قانون
اساسی قانون باید از مجلس بگذرد بدلیخواه
نیست و هر قانونی که برخلاف قانون
اساسی وضع می شود و بیهوده است و
بموجب اصل دوم قانون اساسی هر قانونی
که مخالف با قواعد مقدسه اسلام باشد

قانونیت ندارد .

همان ایام که بنده يك سؤال از آقای
وزیر هدلیه کردم رفته بودند در نزد اسلامی که
فلانی از وزیر هدلیه سئوال کرد و خانه تورا
شراب کرد بعضی دویدند نزد آقای میرزا علی
محمد خان که هنوز هم بنده خدمتشان نرسیده ام
گفتند فلانی حمایت از اسلامی کرده بعضی
بنده گفتند این حرفها با محیط سازش
ندارد ولی بنده کاملاً در نتیجه آن سؤال
بمقصود خود رسیدم زیرا خواستم بر
کسانی که در شبهه هستند واضح شود که
این مواد من حیث المجموع مخالف با قوانین
مقدسه اسلام است بلکه تصرف در ملک
دیگری بدون مجوز شرعی بدترین چیز
هاست و برخلاف تمام مذهب است ولی
آقایان این عمل را کردند در بالای همین
کرسی نطق گفتند بواسطه این قانون
کردیم و بدلات این قانون کردیم و در
صورت مجلس اظهارات آقای وزیر هدلیه
باینکه آب و تابی نوشته شد و همین جا خوانده شد
خلاصه این عرض کردم که معلوم شود بقیه
خودم باقی هستیم باین که چون راجع بماده (۱۴۸)
از وزیر هدلیه سؤال کردم این را قانون می
دانم ولی چون این ماده (۱۴۸) با اصل
۲۱ قانون اساسی که می گوید (دیوان
عدالت عظمی و محاکم هدلیه مرجع
تظلمات عمومی است و قضاوت در امور
شرعیه با عدول مجتهدین است) مطابق
است این است که بنده مورد سؤال خودم
قرار دادم و از آقای وزیر که تشریف ندارند
معلوم می شود از معاونشان باید سؤال کرد
این است که سؤال می کنم آیا این ماده قانون
تا امروز بموقع اجراء گذاشته شده است
یاخیر؟ و در صورتی که بموقع اجراء گذارده
نشده باشد آیا در نظر دارند که بموقع
اجراء گذارند یا در نظر ندارند؟ در
صورتی که در نظر ندارند بموقع اجراء
بگذارند آیا يك دلیل قانونی برای این
اختیار خودشان دارند یا ندارند؟ چون
ابتدا که بنده این سؤال را از آقای وزیر
هدلیه کرده بودم در جواب يك هر چی
بمقام ریاست نوشته بودند که امروز از
آمدن بمجلس معذورم و جواب سؤال فلانی
را کتباً فرستادم و آن این است که در
آخر این قانون دولت وقت نوشته است
که این ماده (۱۴۸) و شش ماده بعد از
او را فعلاً موقوف الاجرا بگذارید تا
محاکم تشکیل شود

در صورتی که چنین چیزی نیست
این اختیار را دولت ندارد اگر قانون است
شده است که باید تمام این هزار ماده که
معلوم نیست از کجا آمده و با فضاات اسلام
مخلوط شده باید مجزی شود و این هفت
ماده که ما را قدمی بطرف اسلامیت می
برد باید از بین ببرد در هر حال چندین
بار بجهة وزیر هدلیه نوشته شد که تشریف
بیاورند و جواب بنده را بدهند و تشریف
بیاورند باز تکرار می کنیم اگر این

مواد را تا امروز بموقع اجراء بگذارند
اند خیال دارند باین زودی بموقع اجراء
بگذارند یا خیر؟ و در صورتیکه خیال
ندارند بموقع اجراء گذارند آیا بکدلیل
قانونی برای این اختیاری که بجهت
خودشان فرض کرده اند دارند یاخیر
رئیس - با اینکه چند نفر از
آقایان آمدند باز همه کافی نیست
جلسه آینده روز یکشنبه سه ساعت
و نیم بظهر دستور اولاً بقیه شور اول
در قانون استخدام ثانیاً لایحه تقدیم چراغ
برق بعضرت معصومه سلام الله علیها
ثالثاً لایحه راجع باموال حکماء رابعاً
بانضمام ایراقوبیزد

مستشار السلطنه - بنده چندی قبل
سوالی راجع باقدامات شاهزاده عهد -
السلطان کرده بودم خواهش دارم او را
هم جزء دستور قرار دهید و امر بفرمائید
که هیئت دولت زودتر برای جواب حاضر
شوند
رئیس - سوال را نمی شود جزء
دستور قرارداد بوزار هم چند مرتبه نوشته
شده است

آقای میرزا محمد صادق
طباطبائی - قانونی ممیزی هم که
خیلی مورد احتیاج دولت و مردم است از
کمسیون گذشته و حاضر است اگر صلاح
بدانید جزء دستور گذاشته شود
رئیس - ممکن است قبل از تنفس
چند ماده از قانون استخدام و بعد از تنفس
چند ماده از قانون ممیزی مطرح شود
(جلسه یکساعت و نیم بعد از
ظهر ختم شد)

مؤمن الملک
جلسه ۱۳۵

صورت مشروح مجلس یوم
سنه (۲۱) اسد (۱۳۰۱) مطابق
نوزدهم ذی حجه (۱۳۴۰)
مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست
آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
صورت مجلس یوم چهارشنبه هفدهم
اسد آقای امیر ناصر قبل از رای دهندگان
بنانون شهریه ها قرائت نمودند
رئیس - اسامی قبول کنندگان ورد
کنندگان قرائت شود یانه

بعضی از نمایندگان - قرائت
شود
محمد هاشم میرزا - مقصود
نظامنامه هم همین است که قرائت شود منتهی
حالا چون روزنامه رسمی نداریم در صورت
مجلس باید نوشته شود و باخواندن اسامی هم
کسی مخالف نیست
رئیس - بسیار خوب قرائت
میشود

آقای امیر ناصر اسامی رد کنندگان
و قبول کنندگان را باقیه صورت مجلس قرائت

نمودند
رئیس - آقای منتصر الملک
(اجازه)
منتصر الملک - راجع بمقورات
اجراء ادارات که در جلسه سابق مذاکره
میشود بنده عرض کردم که در کمسیون
بودجه این قبیل حقوقات جزء بودجه به
وزارت خاها تصویب شده و این مطلب ذکر
نشده و باید علاوه شود

رئیس - این هم اضافه میشود دیگر
ملاحظاتی نیست
آقای شیخ الاسلام اصفهانی
(اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - اینکه
در صورت مجلس در جزو قبول کنندگان
نوشته اند (شیخ الاسلام محلاتی اشتباه شده)
اولاً شیخ الاسلام محلاتی نداریم و آقای حاج
شیخ اسدالله محلاتی هستند ثانیاً بنده جزو
قبول کنندگان نبودم و جزو متوفین بودم
رئیس - همین طور است که فرمودید
چون آقای حاج شیخ اسدالله در جای دیگر
هم اسمشان نوشته شده و ایشان هم تصویب
کرده بودند

حاج شیخ اسدالله - صحیح
است
رئیس - بعد از این اصلاحات صورت
جلسه تصویب شد بالفعل لایحه قانون ممیزی
عمومی مطرح است

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه
می فرمائید
رئیس - بفرمائید
شیخ الاسلام - در جلسه قبل مقرر
فرمودید اول جلسه امروز آقای معاون
وزارت عدلیه جواب سوالات بنده را
بدهند

رئیس - (خطاب بمعاون وزارت عدلیه)
آقای شیخ الاسلام سوالی کرده اند جوابشان
را امروز میدهند یانه
معاون وزارت عدلیه - بلی آقای
شیخ الاسلام در سوالاتان سه فقره تردید
داشتند یکی این که قانون اصول مکات
حقوقی قانونیت دارد یا ندارد؟ و یکی اینکه
موافق با شرع است یا نه؟ دیگر ماده ۱۴۸
اجراء میشود یانه

شیخ الاسلام - اجازه می فرمائید؟
سوال بنده اینها نبود اجازه بدهید تکرار
کنم

معاون وزارت عدلیه - سوال
شما همینها بود و الا اصول مکات حقوقی
قانونیت دارد و راجع بماده ۱۴۸ هم البته
وزارت عدلیه این ماده را اجراء می کند و
این ماده این است که در کلیه مسائل شرعیه
باستثنای موارد ماده ۱۴۵ در صورتی که
متداعین قراضی کنند عدلیه رسیدگی خواهد
نمود و الا بمحضر شرع ارجاع خواهد نمود
موارد ماده صد و چهل و پنج کلیتاً بمعاضر

شرع رجوع میشود ولی در باقی امور چون
تا بحال اتفاق نیفتاده است که متداعین
نکنند عدلیه در اموراتی که خارج از
مشمولات ماده (۱۴۵) باشد رسیدگی
می کنند

شیخ الاسلام - بنده گمان می کنم
آقای معاون در موضوعات شرعیه با اشتباه
باشند اگر اجازه می فرمائید در خارج
مجلس هراضم را خدمتتان عرض می کنم بعد
اگر لازم شد باز در مجلس طرح خواهم
کرد چون تمام امور شرعیه است
رئیس - مذاکرات در کلیات لایحه
ممیزی عمومی است

آقای اقبال السلطان
(اجازه)
اقبال السلطان - بنده موافقم
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض
می کنم اولاً این لایحه که نوشته شده عملی
نیست و تا پنج سال دیگر هم اگر بنا باشد
ممیزی کنند تمام نمیشود مثل این که در
شاهرود و سایر جاهانی که سابقاً ممیزی
کرده اند همینطور نصف کاره مانده است
و بهتر این است از خود مالکین صورت
حایدات را بخواهند و تقشیش کنند و از روی
آن مالیات را معین نمایند برای عملی کردن
این مفیدتر و بهتر است زیرا هم یک صورت
تخمینی از حایدات مملکت معین میشود و هم
مالیات دولت بزمن نمی خورد و هم چنین
این راهم که نوشته اند از الاغ چقدر بگیرند
و از شتر چقدر این هم عملی نیست از یک
طرف میگویند عشر حایدات زمین و غیره را
میگیرند از طرفی می گویند از الاغ و شتر و
گا و و فلان مبلغ
یک نفر از نمایندگان - الاغ نوشته
نشده

حاج میرزا عبدالوهاب - چرا
هست ملاحظه بفرمائید یک جا از عشره
حایدات می گیرند که الاغ و شتر هم شامل
آنها هست و یکجا هم عایده نوشته اند
دیگر اینکه این قانون شامل اراضی اطراف
شهر و باغات نمیشود مثلاً در ولایت ما در
اطراف شهر اراضی هست که باغات است
و مردم اجازه می دهند و این قانون شامل
حال آنها نیست و خوب است ترتیبی داده
هود که شامل حال این اراضی هم بشود که
بدولت از این حیث ضرری وارد نیاید
مرض دیگری ندارم

شیخ الاسلام - در این خصوص بنده
قبلاً اجازه خواسته بودم
رئیس - صحیح است بعد از یک موافق
بفرمائید

آقای اقبال السلطان
(اجازه)
اقبال السلطان - در کابینه سابق

آقای قوام السلطنه که آقای مصدق السلطنه
وزیر مالیه بودند یک لایحه ممیزی پیشنهاد
کردند که در آن لایحه اینطور قرار داده
بودند که از مالکین سوال شود حایدات
ملک آنها چه قدر است و اظهاریه مالکین را
مدرك ممیزی قرار دهند و آن لایحه
در کمسیون قوانین مالیه مطرح شد و در
آنجا نوشته بودند در صورتی که بین مالک
و مأمورین دولت اختلاف نظری حاصل شد
مأمورین دولت دو مرتبه بروند و ممیزی
بکنند و چون معلوم بود در هراظهاریه
بین مالک و مأمور دولت اختلاف نظر
حاصل می شود باین جهت که کمسیون قوانین
مالیه عقیده اش بر این شد که محض رفع
زحمت از مالک و مأمور از اول مأمورین
دولتی بروند و ممیزی کنند و دیگر اینکه
آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند این
قانون شامل اراضی اطراف شهر نمی شود
خیره این ماده شامل تمام اراضی می شود
اهم از اینکه بشهر چسبیده باشد یا بیست
فرسخ از شهر دور باشد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی
(اجازه)

شیخ الاسلام - چون آقای طباطبائی
مخبر کمسیون قوانین مالیه هستند بنده
بایک قوت قلب و شجاعتی نظریات خود را
بعرض میرسانم چون آنچه بنده از مسلك
ایشان فهمیده ام این است که همیشه دنبال
این هستند که نقطه صلاح و اصلاح را پیدا
کنند و مدافع هم که باشند گوش میدهند
و کلمات مخالفین را استماع می نمایند و اگر
یک چیز هائی باشد که بنظرشان صحیح
نباشد و دلالتی روان دارند رد می کنند
و اگر یک چیز هائی باشد که صحیح باشد
قبول می کنند و می برند بکمسیون که در
او دقت نظر بشود و باز مجدداً بمجلس
بیاورند و طریق صحیح هم همین است و
هیچ وقت نباید نسبت بناطین همه و
کافر ماجرائی بکنیم خیر باید موافق و
مخالف مطالب خودشان را اظهار بکنند
تا اطراف مسئله روشن بشود آنوقت رای
داده بشود نراهی هم در کار نیست

باری این لایحه ممیزی را بنده دوسه
مرتبه بدقت خواندم بسیار خوب لایحه ای
است و ما باید از اعضای کمسیون قوانین
مالیه اظهار قدردانی بکنیم که یک مطلب
بسیار مشکل و مهمی که راجع به ممیزی یک
مملکت است باین آسانی و این خوبی تحت
یک مواد مختصر با یک عبارتی که
بفهمند منظم کرده و بمجلس شورای
آورده اند حالا اگر اشاره بشود بمواد
سایر کمسیونها شاید مناسب نباشد
از کمسیونها بیش از اینها از
خلاصه بنده از سهم خودم تل های
را باعضاء محترم کمسیون مالک
تقدیم می کنم خصوصاً آقا هم میزان

رهایت کامل کرده اند که حقوق ارضی و احشام نزدیک بتوانند اسلامیه باشد و چیزهایی که در این قانون حق بر آنها بسته شده است چیزهایی است که در قانون مقدس اسلام هم حق بر آنها بسته شده . یک فقره عمده حقوق ارضی است که در این قانون معین شده است که عشر و خالص عایدات متوسطه مالک باید دریافت شود در قانون شرع مقدس هم بر اینها حقوقی بسته شده .

نهایت چیزی که هست در غلات اربع که گندم و جو و خرما و مویز باشد حقوق واجب بسته شده ولی در سایر چیزها حقوق منتخب بسته شده مثلاً به برنج . نخود . لوبیا . ترباک . معلوج در شرع مقدس حقوق مستحب بسته شده فقها هم می فرمایند و تستحب الزکوات مما تثبت الارض من السکيل والموزون . یکی دیگر از چیزهایی که در این قانون حقوق بر آن بسته شده شتر است بر شتر هم در شرع مقدس حقوق بسته شده .

دیگر از چیزهایی که در این قانون بر او حقوق بسته شده بر گوسفند است در شرع هم بر آن حقوق بسته شده یکی از چیزهایی که در این قانون حقوق برایش معین شده مادیان است . در شرع هم حقوق دارد الا اینکه حقوق مستحب دارد مثل اجناس غیر از غلات ایران حقیقتاً چه قدر اسباب امیدواری است که بعضی بزرگیات این لایحه تطبیق میشود با مقررات اسلامی . مثلاً نصاب اول شتر پنج است و هر کس پنج نفر شتر داشته باشد باید یک گوسفند زکوت بدهد و این قانون بهر یک نفر شتر دوازده قران معین کرده و پنج دوازده قران شش تومان میشود . با قیمت یک گوسفند تقریباً معادل است . نصاب دوم شتر دوازده است هر کس دوازده شتر داشته باشد باید در آخر سال دو گوسفند بدهد و در این قانون دوازده نفر شتر دوازده تومان بسته تقریباً قیمت دو گوسفند میشود . نصاب سوم شتر پانزده نفر است و مطابق این قانون هیچ گوسفند تومان باید بدهد . معادل قیمت سه گوسفند است . در شرع انور هم ۳ گوسفند برای پانزده نفر شتر نصاب معین شده نصاب چهارم شتر بیست نفر است هر کس بیست نفر شتر داشته باشد در آخر سال چهار رأس گوسفند باید بدهد در این قانون هم بیست دوازده قران بیست و چهار تومان معادل قیمت چهار رأس گوسفند برای بیست و پنج نفر شتر سی تومان معین شده و تقریباً معادل پنج گوسفند نزدیک آقا می باشد در کلیات است باید در اصل موضوع حرف بزنید)

مسئله مهمه بین آقایان نمایندگان آبادی - الاسلام - آقایان که نمی بینند - اصل کلمات متشبه می گویند (عمده فلیس و تمام شد آنوقت عرض رئیس - تصویب نلا)

رئیس - بگذارید نطقشان را تمام کنند .

محمد هاشم میرزا - پس حرف زده داریم گوش میدهم

شیخ الاسلام - آقایان که نمی گذارند داشتم عرض می کردم که نصاب ششم شتر (۲۹) نفر است و مطابق این قانون سی و یک تومان و دوقران باید بدهد و تقریباً با هم مطابق درمی آید . همین طور نصاب هفتم و هشتم و نهم و دهم الی آخر که حالا مجال نیست عرض کنم نصاب اول گوسفند چهل رأس است . هر کس چهل رأس گوسفند دارد در آخر سال باید یک گوسفند بدهد و مطابق این قانون هم چهار تومان می شود اینجا تقریباً یک کم و زیادی دارد نصاب دوم گوسفند ۱۲۱ رأی است و هر کس (۱۲۱) رأس گوسفند داشته باشد باید دو گوسفند بدهد و مطابق این قانون ۱۲ تومان و یک قران باید بدهد این هم یک قدری اختلاف جزئی دارد ولی چیزی که هست کاملاً رهایت نصاب در این قانون نشده است که بعقیده بنده خیلی لازم است چون در شرع انور یک نفر دوازده شتر و ده رأس بیست رأس گوسفند حقوق ندارد چون متعلق بقرا و وضعاً است فلسفه این مطلب هم مالیات و حقوق گله داری است و بره رأس و بیست رأس گوسفند اطلاق گله داری نمی شود و این نکات باید رهایت بشود و اعضای کمیسیون این را باید در نظر بگیرند و تمام نصاب را در این قانون باید رهایت نمایند یک مطلب دیگری که در این لایحه فرق گذاشته نشده زراعت با آب رودخانه است با زراعت با آب رودخانه و آب باران اگر چه یک مضارجه منظور شده است ولی بعقیده بنده این اندازه تفاوت خیلی کم است و بنده کاملاً معتقد هستم باید یک فرق خیلی کلی گذاشته شود بین زراعت از قنات و چاه و با زراعت از رودخانه و باران چون خیلی قنات مضارجه زیادی دارد

مثلاً دریزد قنات هست که (۹۰) زرع عمق دارد و این قنات البته صد هزار تومان خرج دارد آنوقت آیا چنین قناتی بایک نهر منسوخ از رودخانه یک مضارجه دارد البته خیر و آری یک چنین مالکی که صد هزار تومان سرمایه خودش را در چاه ریخته است باید یک عشر از عایدات خالص خود را بدهد یک نفر آدم دیگر هم که یک بذری آورده است و در بیابان ریخته و رفته است و در سال دیگر می آید مجموعش را جمع می کند یک عشر بدهد آیا این صحیح است پس مطابق این دلیل بنده بعقیده ندارم که زراعت از رودخانه و قنات یکطور حقوق بدهند دلیل دوم این است که مالکین زراعت رودخانه آب حقوق داد نشان بسته باین است که بارش از آسمان بیاید و ممکن

است یکسال باران از آسمان نیاید یا کم بیاید آنوقت هیچ نیاید بدهند یا کم بدهند چون زراعت تابع باران است ولی مالکین زراعت چاه آب و قنات آب تمام سالها حقوقی که حق یا نا حق بر آنها بسته شده است می دهند مگر بعضی سالها که آفت باشد آنهم آفت کلی و این دورا نمیشود تحت یک انضباطی در آورده . دلیل سوم هم که بنظر بنده رسیده این است که اگر مالیات ارضی در ایران عشر عایدات خالص مالک گرفته شود مالیات ایران خیلی زیاد میشود چون مالیاتی که معمول بوده و قبل از زمان حاج میرزا آقاسی و امیر - کبیر می گرفته اند هفت کره بوده و تقریباً تمامش ارضی بوده منتهی یک جزئی غیر ارضی بوده و البته در آن زمان هم رهایت عشر شده است و از آن زمان هم تاکنون اقل قیمت اجناس پنج برابر شده است . گذشته از اینکه در این مدت قنات و املاک جدیدی هم احداث و آباد شده اگر چه یک قدری هم شاید از بین رفته باشد ولی بیشتر زیاد شده و کمتر کم شده و آن املاکی هم که خراب شده انشاء الله به همین زودی آباد میشود .

خلاصه اگر تقریبی حساب کنیم اگر از عایدات خالص عشر گرفته شود مالیات ارضی ایران تقریباً سی و پنج کرور میشود و مملکتی که تمام مضارجه آن چهل و دو کرور با اجزایات چهل و پنج کرور باشد نباید مالیات ارضی تنهای آن ۳۵ کرور باشد و صحیح نیست بملازمه یک مطلب دیگر که بنظر بنده رسیده این است که البته قانون باید عملی باشد و فقط قانون و دلخوش کردن فایده ندارد باید قانون گذار اول اجرای قانون را در نظر بگیرد بنده تصور میکنم یک مرتبه نمیشود مالیات ایران را پنج برابر کرد و یک دهی که دو بیست تومان مالیات بدولت می داده یک مرتبه بگوئیم هزار تومان بده اینک نمیشود . دلیل دیگر این است که چون آقایان امضاء کمیسیون قوانین مالیه در نظر دارند کاملاً رهایت مقررات شرعی بشود و در شرع مقدس فیما بین زراعت چاه آب و رودخانه آب و آب باران دویم فرق گذاشته شده است یعنی زراعت قنات آب نیم عشر باید بدهد و زراعت رودخانه آب و آب باران یک ده یا عشر بدهد .

بنابراین عقیده بنده این است که بین زراعت قنات آب و رودخانه آب و باران آب باید تفکیک بشود نظریات دیگری هم بنده در موضوع ممیزی دارم و بعد در موقع خودش عرض میکنم و گمان میکنم این طریق ممیزی جامع الاطراف نباشد و باید امضاء محترم کمیسیون قدری دقت بفرمائید که قدری وسیعتر و مضبوطتر بشود و این قسم که پنج نفر معین کنند بروند ممیزی کنند با این شلوقی ها که ما داریم می ترسم اسباب

اشکال بشود و حکایت هشت هزار خروار جو اصفهان و از بین رفتن باشد و این چهار شاهی هم که حالا عایدان میشود از بین برود .

بعقیده بنده مشکلترین مواد قانون ممیزی طریق عملی کردن آن است خصوصاً با موانع و مشکلاتی که امروزه داریم . رئیس - آقای آقاسید بقوب موافق هستید . آقا سید بقوب - بله . رئیس - بفرمائید .

آقاسید بقوب - اولاً اینکه آقای شیخ الاسلام فرمودند خوب است گوش بدهند تا مطلب گفته شود . این مسئله یکدفعه دیگر هم گفته شد و مقام ریاست فرمودند که نمایندگان نمی توانند احساسات خود را اظهار نکنند . همین طور هم هست البته نمی توانند نفس را در سینه خفه کنند .

ولی عجلتاً بنده در این خصوص حرف نمی زنم . ثانیاً این بیاناتی را که کردند یکوقت آقای زنجانی در موقع مذاکره در قانون استفاده فرمودند که شور در کلیات غیر از شور در مواد است .

اساساً ما باید بین مملکت باین وضعی که تا کنون گذشته ممیزی لازم دارد یا ندارد؟ خود آقای شیخ الاسلام چندین مرتبه بکمیسیون هریض تشریف آورده اند و دیده اند چه قدر شکایت بواسطه خرابی و بی اعتمادی ادارات مالیه از اطراف بلند است .

راجع به ممیزی هم یک ممیزی در زمان عباس میرزا شده است و یکی هم در زمان ناصرالدین شاه و از آن وقت تا بحال صد سال یا هفتاد سال است که گذشته و حالا از هفتاد سال ما می خواهیم یک ترتیب صحیحی بدهیم که اداره مالیه آن را منطبق قرار داده و از آنرو مالیات بگیرند لابد آقایان نمایندگانی که از ولایات آمده اند عملیات امنای مالیه را دیده اند که بچه ترتیب غیر منظمی است .

حالا حکومت حکومت ملی است و باید قانون طوری نوشته شود که مساوات و عدالت هم ملاحظه خود و در تمام جاها مطابق قانون و عدالت حکم بکنند چطور مامی توانیم از یکجا مالیات و جزیه بگیریم وجه بگیریم و از جای دیگر هیچ مالیات نگیریم؟

را بماند شما بارها خودتان می فرمائید که من طرفدار فقرا هستم و حالا که در این جا مالیات را از فقرا و ضعیفا برداشته اند و بسرمایه دار قرار گذاشته اند حالا شما می فرمائید چرا بر سرمایه مالیات گذاشته اید؟ خامساً وقتی در مواد وارد شدیم باید مخالفت بفرمائید که این ماده با شرع مخالف است یا نه

داخل
ملی
قانون
است که
مردم
گرفتن
بدهد و
قانون
نه اینکه
نهد
در
ممیزی
در مواد
کنند
موافق
آ
رئیس
السلطنه
ع
موافق
رئیس
چطور
مخالف
رئیس
آقا
قانون
لایحه
پارچه
ناصر الدین
پارچه
هم نبوده
بدرد بخور
عاید مالیات
بشود پس
یعنی باین
هستم همان
را اجاره
چون هیچک
خیر ندارد
بنابراین
را عایدی
وسط اجاره
و اگر هم
خودش عمل
کنند و از
اگر باین
ممیزی کنند
چون ما دیدیم
کردند خیلی
داشت و خیار
محل نداشت
همیشه اسباب

نه اینکه از شور شکایات در مواد داخل بشوید.

بنده عرض می کنم اول قدمی که حکومت ملی می خواهد برای اصلاح مالیه بردارد قانون ممیزی و این قانون بهترین قوانین است که انشاء الله از مجلس می خواهد بگذرد و مردم را از تفریط کاری امنای مالیه و گرفتاری های دیگر راحت کند و نجات بدهد و در واقع تمام مملکت از روی یک قانون صحیحی مالیات بدهند و مساوی باشند نه اینکه یکجا زیاد بدهد و یک جا هیچ ندهد.

در حال گمان نمی کنم در اصل قانون ممیزی کسی مخالفت داشته باشد نهایت در مواد هر کس پیشنهادی دارد باید تقدیم کند

رئیس - آقای آصف الممالک
موافقید
آصف الممالک - بلی
رئیس - آقای رفعت الدوله و عماد السلطنه طباطبائی چطور
عماد السلطنه طباطبائی - بنده هم موافقم
رئیس - آقای میرزا ابراهیم قمی چطور
آقا میرزا ابراهیم قمی بنده موافقم
رئیس - بفرمائید
آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده اصلاً با قانون ممیزی موافقم ولی در طریق این لایحه مخالف هستم البته در زمان محمد شاه پاره آبادی دارد شاید در زمان محمد شاه ناصر الدین شاه که ممیزی کرده اند صد پاره هم نداشته است و باین خوبی و آبادی هم نبوده و یک ممیزی هم نکرده اند که ببرد بخورد حالا اگر درست ممیزی شود شاید مالیات ایران بالغ بر هفتاد کرور بشود پس این جهت بنده با لایحه مخالفم یعنی باین طریقی که پیشنهاد شده معتقد هستم همانطور که در مستقالات آمدند و ممالک را اجاره نامه و عایدی مالکین قرار دادند چون هیچکس از همل ملک خود مثل مالک خیر ندارد

بنابر این خوب است در اینجا هم ممالک را عایدی و اجاره نامه قرار دهند یعنی حد وسط اجاره نامه سال را میزان قرار دهند و اگر هم اجاره نامه نداشته باشد و مالک خودش عمل کرده باشد عایدی او را حساب کنند و از آنرو مالیات معین کنند چون اگر باین ترتیب که سابق ممیزی میکردند ممیزی کنند اسباب زحمت مردم خواهد شد چون ما دیدیم اطراف طهران را ممیزی کردند خیلی جاها را کسر کردند که حقیقت نداشت و خیلی جاها را زیاد کردند که عمل نداشت و از روی ملک صحیحی نبوده همیشه اسباب شکایت مالکین می شد

ولی اگر از روی اجاره نامه و عایدی اجرا بشود تصور می کنم بهتر باشد اما اینکه آقای شیخ الاسلام راجع بزکوات شرحی فرمودند اگر این مالیات را عشر هم قرار بدهند باز باید مالک زکوات را بدهد زیرا که این مالیات شرحی هست (بعضی از نمایندگان صحیح است) و بنده نسبت به مواشی واغنام هم معتقد نیستم باین ترتیب مالیات از آنها گرفته شود زیرا ممکن است یک کسی که دارای هزار گوسفند است در یک شبانه یاه شبو روز تمام گوسفندانش بمیرند و آن مالیات گردنش بماند و این صحیح نیست و باید راجع بآنها هر ساله ممیزی شود

شیخ الاسلام - بنده توضیحی دارم اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید
شیخ الاسلام - چون آقای قمی یک چیزی فرمودند و آقای حاج شیخ اسدالله و جمعی دیگر تصدیق کردند عرض میکنم که البته این مملکت اسلامی است و بیت المال هم مال مسلمین است و آنها هم که از اول قراردادند و پنج نفر مجتهد طراز اول قرار دادند پنج نفر مجتهد طراز اول در مجلس باشند فهمیده رای دادند و برای این بود که تمام قوانین مطابق شرع مقدس باشد و بایشان یاد آوری می کنیم که یکی از مصارف زکوات فی سبیل الله است و تمام مصارف مملکت اسلامی را می شود بر همین فی - سبیل الله تطبیق کرد

محمد شام میرزا تا گیرنداش کی باشد
شیخ الاسلام - پنج نفر که اینجا نشسته و تصدیق کردند آنوقت هر کس بگیرد فرق نمی کند
رئیس - آقا این توضیح نبود که شما دادید آقای آصف الممالک (اجازه)
آصف الممالک - عرض آقای قمی راجع باین مسئله این بود که در طریقه ممیزی اگر با اجاره خط و اسناد که مالک و مستاجر دارند مراجعه شود بهتر می شود ممیزی نمود باین ترتیب هم دولت پیشنهاد کرده بود که مدرک را اظهار به مالکین و مستاجرین قرار دهند ولی راجع باین ترتیب در کمیسیون مذاکرات زیاد شده و دیدیم این ترتیب اسباب اختلاف می شود بملاوه شاید یک ملکی هنوز با اجاره نرفته باشد یا فرضاً اجاره نامه را آوردند و حد وسط آنرا مآخذ قرار دادیم آنوقت اگر بین مأمورین دولت و مالک اختلافی حاصل شد ناچار باید تجدید رسیدگی و ممیزی بشود لذا برای اینکه اصلاً اختلافی حاصل نشود از اول قرار شد ممیزین بروند و ممیزی بکنند و این طریق را کمیسیون بهتر دانست ولی بتصور اینکه شاید گاهی اختلافی حاصل بشود قرار شد که طریق رفع اختلاف هم در همین قانون ذکر شود و اما اینکه فرمودند

هفتاد کرور مالیات ارضی میشود بنده نفهمیدم از روی چه مآخذ فرمودند ؟ زیرا همچو مدرکی که در دست نیست و هم چنین آقای شیخ الاسلام فرمودند سی و پنج کرور او را هم ندانستم از روی چه مآخذ است

زیرا اگر تصور میشود بعضی املاک مالیاتش کم است باید در نظر داشته باشند بعضی املاک هم هست که مالیاتش خیلی زیاد است و باید بعد از رسیدگی کسر شود ممیزی و تعدیل مستلزم همین است که یکجایی را کسر و جای دیگر زیاد کنند و یک قاعده کلی بنویسند که شامل همه جا بشود و تصور میکنم دیگر مذاکرات در این خصوص چندان مورد نداشته باشد و اینکه آقای شیخ الاسلام راجع باملاک دیم و آبی فرمودند که باید تفکیک بشود و فرق گذاشته شود اگر چنانچه بلا یحه ملاحظه فرمائید راجع باملاک که از قنات مشروب میشود مخارجش موضوع میشود ولی از املاک دیم و رودخانه آب مخارجی موضوع نمیشود. لذا بنده تصور می کنم اگر آقایان مطالعه بفرمائید طریق عملی غیر از این نیست

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - گمان نمی کنم هیچک از آقایان مخالف باین ممیزی باشند ولی اگر اختلافاتی بشود و اظهاراتی میشود راجع باین قانون است که بعضی آن را ناقص می دانند و نظرشان این است که باید تکمیل بشود - این است که بنده هم بعنوان مخالفت هر ایش خود را می کنم. عرض بنده در این قسمتها که فعلاً مذاکره شدنیست و عنوان زکواتها و غیره نیست - بنده این قانون را از این جهت ناقص میدانم که سالها است یک مالیاتی در این ان معمول شده یعنی یک مالیات نقدی و یک مالیات جنسی برای هر محلی معین شده و بعد هم برور زمان یا صرفه دولت بوده یا صرفه مالک مالیات جنسی در بعضی جاها تبدیل بنقدی شد و امروز یک میزان ثابتی برای مالیات نقدی و جنسی در دست نیست و در این قانون بنده هر چه مطالعه کردم از اول تا آخر دیدم بیشتر نظرش بجنس است و راجع بنقدی هیچ معلوم نیست چه معامله میشود (بعضی گفتند راجع به نقدی هم معین شده است)
حاج شیخ اسدالله - بعد از این همه ما عرض میکنم یک تکلیفی در این قانون برای نقدی معین نشده است باز هم می گویم باز هم همه کتید

عماد السلطنه طباطبائی - ماده پنج را ملاحظه بفرمائید
حاج شیخ اسدالله - باز هم عرض میکنم ندارد و تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین نشده چه طور معین نشده ؟ مالیات نقدی که وضع می شود راجع باملاک نیست و

نسبت بعایدات و منافع صیفی باید مرصی بشود . و اگر آقایان بشوایند بفرمائید مالیات نقدی که تا بحال معمول بوده بحال خود باقی باشد و این مالیات را هم اضافه بگیرند . این معامله برخلاف انصاف و ظلم است زیرا این مالیات نقدی که امروز از ولایات گرفته می شود در مقابل آن مالیات جنسی است که تبدیل بنقدی شده و اگر بنا باشد آن مالیات نقدی که اکان باقی باشد و مالیات جنسی را هم از آنها اضافه بگیرند . آنوقت نمی توان تصدیق کرد که این قانون مطابق با عدل و انصاف وضع شده است . و اگر هم آقایان بفرمائید تکلیف مالیات نقدی در این قانون معین شده باز عرض می کنم مالیات نقدی را در اینجا تشخیص نداده اند که از روی چه مظنه باشد آیا آنها هم عشا را است ؟ در حالتیکه در مقابل مالیات صیفی نمی توان عشر معین کرد . و اگر مدار کشان تقدیم است آنها هم در هر سال مختلف می شود و نمیشود اصل ثابتی برای او پیش بینی کرد . این است که بنده عقیده ام این است که این قانون ناقص است و باید تکمیل شده و در آخر آن نوشته شود که بعد از وضع قانون ممیزی تمام مالیاتهایی که معمول بوده منسوخ شده و معمول بشود و مالیاتهای بی ترتیب سابق از بین برود . آن وقت مالیات جنس را از روی عشر تعیین کنند و نسبت بامالیات نقدی و صیفی هم یک میزان دیگری از روی تقویم و غیره در نظر بگیرند

آقا سید یعقوب - ماده هفدهم را ملاحظه بفرمائید نوشته شده است
حاج شیخ اسدالله - کدام ماده را فرمودید
آقا سید یعقوب - ماده هفدهم .
هینک تا ترا بزیند
حاج شیخ اسدالله - هینکم را زدم . این هم ماده هفدهم می گوید : (هر محلی که مطابق مقررات این قانون ممیزی شده و نتیجه آن بموقع اجرا گذارده شود از مالیات سرشمار و سربازی و خانواری و پادارانه و امثال آن و همچنین هر گونه مالیات دیگری که جدا گانه بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد بهر اسم و رسم معاف خواهد بود) و این ماده ابدأ نسبت بامالیات نقدی قرار نگذاشته و مسکوت عنه گذاشته است

(بعضی از نمایندگان - در ماده اول نوشته شده است)
حاج شیخ اسدالله - این هم ماده اول (مآخذ مالیات املاک و اراضی مزروعی در املاک اربابی (غیر خالصه انتقالی) واغنام و احشام در تمام مملکت ایران مطابق فقرات ذیل خواهد بود

۱ - از املاک و مراتع جنگل های نظار اربابی عشر عایدات متوسط خالص ماا شکر اهم از نقد یا جنس) در اینجا هم دن قم بواسطه

برای مالیات نقدی معین نمی کند مالیات نقدی که عسرنمی شود باید يك میزان برای صیفی معین کرد چون از زمین پول که نمی روید . از زمین زراعت می روید .

میروید . دولت هم مکلف است گندم بگیرد اما نسبت به مالیات نقدی چه معامله می کند؟ معلوم نیست و چون هر سال قیمتش کم و زیاد می شود باید تقویم بشود و بالاخره عرض می کنم این مالیات نقدی را از روی يك میزان عادلانه باید وضع نمود که همه ساله اسباب زحمت رها یا نشود و باز تکرار می کنم در این قانون نسبت به مالیات نقدی يك مواد واضح و روشن نیست که رفع اختلاف مالک و دولت را بکند

(بعضی از نمایندگان - خیر آقا اشتباه فرموده اید و لایحه را مطالعه نکرده اید)

حاج شیخ اسدالله - خیر آلا ن هم گفتم اشتباه نکرده ام راجع بنقدی چیزی ندارد .

ان است عقیده بنده آقا، چرزا محمد صادق طباطبائی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه - بنده منتظر بودم تمام آقایان مخالفین مخالفت خود را اظهار کنند تا بنده بدانم نظر آقایان چیست؟ و یک مرتبه جواب عرض کنم . ولی پیش آمد مذاکرات طوری شد که بنده مجبور شدم قبل از این که همه آقایان صحبت کنند جواب این قسمت از فرمایشات آقایانی را که فعلا حرف زدند عرض کنم اولاً اغلب آقایان همینطور که فرمودند لزوم وضع این قانون یعنی قانون ممیزی قابل تردید نیست پس وقتی دانستیم با وضع حاضر ما با همان استدلالاتی که گفته شد و با همان استدلالاتی که گفته نشد قانون ممیزی یکی از قوانین لازمه است آنوقت باید در طرز ممیزی داخل شویم و وقتی در طرز ممیزی وارد نشدیم باید تا اندازه که ممکن است طرز ممیزی را طوری قرار دهیم از روی يك اصول صحیحی باشد که هم مردم و هم دولت تکلیف خودشان را بدانند آنچه دولت باید بگیرد بگیرد آنچه نباید بگیرد مردم بدانند که نباید بدهند و ندانند بنابراین مالیات عسرن قرار داده شد و دولت هم با کمیسیون در عسر موافقت کرده عایدی هم عایدی است ام از جنس یا نقد و فرق نمی کند چون مالک در قسم عایدی دارد یکی نقدی که از صیفی عایدی می شود و دیگری جنس است که از گندم و جو و شلتوک و غیره برداشت می کند .

در این صورت گمان می کنم محلی برای ایراد آقای حاج شیخ اسدالله باقی نمی ماند چون این قانون هر دو را اسم می برد هم مقدم جنس و در ماده مقدم هم همانطور که خودشان قرائت کردند تصریح دارد تکلیف مالیاتهای سابقه را معین کرده و باز هم تکرار می کنم در ماده اول صراحة

می گویم از املاک و مراعات غیره عسرنماید متوسطه خالص مالک ام از نقد و جنس و جای اشکالی هم باقی نمی ماند و ممیزی هم موافق همان اصولی که جنسها را تشعشع می دهند نقدی را هم مطابق همان اصول تشعشع می دهند و در باب فرمایشات آقای شیخ الاسلام هم که اولاً نسبت به کمیسیون اظهار لطف فرمودند البته همه اعضا کمیسیون از ایشان تشکر دارند و آنچه راجع به مخبر فرمودند این را مکرر بنده عرض کرده ام و باز هم عرض می کنم که مخبر يك وظیفه دارد که نظریه کمیسیون را در مجلس دفاع و تأیید کند و عقیده شخص مخبر مدخلیت ندارد زیرا آن اختیارات قاهره را ندارد که بتواند شخصاً چیزی را رد یا قبول کند و اگر فرضاً مخبر يك ماده را در مجلس می پذیرد و یا اصلاح عبارتی را قبول می کند برای این است که مراجعه بکمیسیون داده و نظریات اعضا کمیسیون را جلب کند . اگر دبه کمیسیون با آن پیشنهاد یا اصلاح عبارتی موفق است و تمایل دارد او را قبول می کند والا رد می کند شخص مخبر در مجلس فقط باید نظریات کمیسیون را تأیید و دفاع کند . ولی وقتی بکمیسیون رفت او هم مثل یکی از اعضای کمیسیون محسوب است و امتیازی بر دیگران ندارد . خود بنده . بعضی از این مواد شاید يك نظریاتی داشته باشم ولی با این حال ناچارم نظریات کمیسیون را دفاع کنم و مجبورم مطابق دلائلی که در کمیسیون اظهار شد نظریات اکثریت کمیسیون را در مجلس عرض و دفاع کنم و چون نظر خصوصی نسبت به بنده اظهار فرمودند و خواستند نظریات ایشان را قبول و تصدیق کنم این عریض را عرض کردم که بدانند این مسائل مربوط به شخص بنده نیست . بلکه آنچه هم بنده هم عرض می کنم تابع نظریات کمیسیون است ولی البته اگر پیشنهاداتی بشود که طرف توجه و قبول کمیسیون واقع شود بنده قبول کرده و با آن موافقت خواهم کرد . راجع به نصاب شرحی فرمودند . اولاً حد نصاب را بطوری که فرمودند کمیسیون در نظر گرفته و این مسئله را رعایت کرده که چون رها یا غالباً گوسفند های زیاد ندارند اگر اخصاص باشند که چهار پنج گوسفند و بز ماده داشته باشند برای مصارف و يك خانواده معمولی رهیت لازم است آنها را از پرداخت مالیات معاف نموده ولی اگر فرضاً يك رهیت صد یا دوست گوسفند داشته باشد آنوقت او را در عالم خودش باید سرمایه دار و دارا فرض کرد و همینطور که مالک ملک از محصول خودش حصه بدولت می دهد او هم بنویه خود باید يك چیزی بدولت بدهد البته مالک دوست یا پانصد گوسفند اگر چه اسم رهیت است ولی در حال چون دارای سرمایه است و بهره می برد باید سهمی بدولت بدهد

با اینکه در لایحه دولت ماده گاو هم مستثنی نبود مع هذا کمیسیون بکراس ماده گاو را که برای احتیاجات خانوادگی يك عائله لازم است از پرداخت مالیات مستثنی کرده است زیرا ممکن است يك رهیت يك گاو ماده داشته باشد و بز و گوسفند نداشته باشد و ممکن است احتیاج خانوادگی او را الزام بداشتن يك رأس گاو ماده کرده این است که يك رأس گاو ماده را هم علاوه کردند راجع بتفاوت انواع زراعت شرحی فرمودند اولاً آن قسمتی که دیمی است و آب نمی خواهد آنرا هم دولت و هم کمیسیون هیچ نوع خرجی نسبت باو قبول نکرده و همان يك عسر را برای مالیات فرار داده اند و با استثنای پدرش دیگر هیچ گونه خرجی برای آن قائل نشدند زیرا حقیقتاً زراعت دیمی خرجی ندارد اما آنچه راجع بزراعت آبی است آنهم همانطور که فرمودند با از قنات است یا از رودخانه آنهم ملاحظه فرمائید که کاملاً کرده ایم یعنی برای مالکی که از قنات مشروب می شود و عسر و ملکی که از قنات و رودخانه مشترک آب بخورد يك عسر و نیم و تقاطعی که از رودخانه مشروب می شود يك عسر مخارج منظور شده علاوه کمیسیون مالیات رودخانه را هم که معمولاً باید بدهند مستثنی کرده و جزو مخارج آورده است در این صورت اگر دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود بقدریکه برای دولت ممکن است بین انواع زراعت تفاوت بگذارد فرق گذارده شده ولی آن تفاوت اصلی که حقیقتاً باید منظور شود قبل از ممیزی علمی ممکن نیست و ما هم فعلاً برای ممیزی علمی قانون نمی نویسیم و تقریباً همان مهوی قدیم است که قدری او را اصلاح کرده ایم برای اینکه هر چه زودتر تکلیف مردم و دولت معلوم بشود عبالقاً که وسائل ممیزی علمی برای دولت فراهم نیست البته هر وقت وسائل ممیزی علمی و وسائل فنی برای دولت فراهم شد البته دولت شروع به ممیزی علمی خواهد کرد و آنوقت يك قانونی غیر از این قانون به مجلس پیشنهاد خواهد شد و البته آنوقت تفاوت انواع زراعت ها را دولت بهتر می تواند مورد نظر قرار دهد ولی حالا اگر بخواهیم بیشتر از این در این موضوع دقت بکنیم علمی و ممکن نیست چنانچه خود حضرتعالی هم يك نظریه در این خصوص پیشنهاد نکرده اند چرا برای اینکه خیلی مشکل است و اگر اطلاع داشته باشید می دانید کمیسیون متجاوز از شش ماه است در روی این قانون کار می کند و صرف نظر از جلسات عادی جلسات فوق العاده هم تشکیل داده علاوه همان طور که در مقدمه راپورت نوشته شده کمیسیون در فرجا اعضاء مطلع و بصیری سراغ داشته دعوت کرده از آنها استطلاع نموده و بالاخره نتیجه تمام مشورتها و دقت نظرها این راپورت است که تقدیم مجلس شده بعضی مطالب هم هست که ممکن

است نظراً يك اختلاف و نواقصی داشته باشد و بشود در اطراف آن حرفهائی زد ولی وقتی در اساس دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که بیش از این ممکن نیست و برای کمیسیون مقدر نبوده است فرق بگذرد . مسئله سی پنج کوروی هم فرمودند این يك مسئله فرضی است و هیچ نوع در مقابل آن اظهار نفرمودید اگر نظرتان این است که بعضی املاک از عسر کمتر مالیات می دهند و تصور می فرمائید در موقع ممیزی تجاوز می کند . از آن طرف هم باید ملاحظه فرمائید بعضی املاکی که حالیه زیاد تر از عسر می دهند در آن وقت مطابق این قانون کسر خواهد شد اگر از بعضی زیاد می شود و در عرض از قسمتی کسر خواهد شد آنوقت اسم این را نمی شود دظلم گذاشت بلکه این ترتیب عدالت واقعی است . و اگر غیر از این بشود . بعضی آن نظریه حضرتعالی را قائل شویم آنوقت ظلم خواهد بود . علاوه غیر از این يك شکل منظمی نمی شود برای مالیات اتخاذ نموده و اگر غیر از این باشد همین مشکلاتی که در نقاط مختلفه ممالک موجود است بحال خود باقی خواهد بود و شکل علمی هم پیدا نخواهد کرد و نمی شود ممیزی ملاحظه کند که اگر يك مالیات دوبرابر می دهد او را نصف کنند ولی يك نقطه که هیچ نمی دهد او را نگیرد . ناچار باید گفت فلان مبلغ را دولت میزان مالیات قرار بدهد و اگر کسی مالیات نمی دهد يك عسر از او دریافت شود و اگر نیم عسر می دهد نیم عسر دیگر هم علاوه بدهد و این هم هیچ گونه تعمیلی نیست زیرا مالک ملک پس از وضع مخارج باید از محصول خود چیزی بدولت بدولت بدهد و مقصود هم همین است که یکی کمتر ندهد و یکی زیادتر . راجع باینکه آقای فنی اظهار فرمودند رجوع بصورت حساب برداشت محصول یا اجاره نامه مالکین بشود ملاحظه فرمائید این مسئله چه قدر مشکل است و تا چه درجه ما را دچار منظور خواهند کرد .

بخواهد از احشام مالیات بگیرد باید تقریباً يك نلت از مملکت را از مالیات معاف دارید زیرا يك قسمت مهم مملکت که از حقوق اجتماعی و تاسیسات مملکتی بهره مند و منتفع می شوند عسایر مملکت هستند که يك نلت اهالی و ساکنین مملکت محسوب می شود و بیشتر از همه اغنام واحشام دارند و مالیات آنها بیشتر از اغنام واحشام است و اگر تصویب می فرمائید تمام اغنام احشام متعلق بفقراست این طور نیست زیرا اغناسی هستند که دارای چهل پنجاه هزار گوسفند و گاو و در همین نزدیکی طهران درمازندران و گیلان هستند و عمده دارائی آنها گاو و گوسفند است و خیلی مشمول تر از مالکین اراضی هستند . در باب نقدی هم همان طور که عرض کردم کاملاً رعایت نظر آقای آقا حاج شیخ اسدالله شده و بالاخره قانون ممیزی امروز طرف احتیاج غالب مردم است و چنانچه اظهار فرمودند مالکین متصل در مقام تکلیف هستند و اغلب وقت مجلس صرف تکلیفات آنها میشود و بعضی از مالکین هم هستند که حقیقتاً از همة ادای مالیات خود بر نمی آیند و متصل تقاضای رسیدگی و ممیزی می کنند و دولت هم منتظر است تکلیف خود را در باب ممیزی هر چه زود تر بداند و از طرف دیگر تأخیر تصویب این قانون خسارتی بر مملکت وارد خواهد نمود زیرا املاکی جدید التاسیس هستند و از پرداخت مالیات استنکاف دارند در حالتی که استمداد پرداخت مالیات را دارند باید تکلیف آنها هم زودتر معین شود بنابراین عقیده بنده این است که آقایان محترم يك توجه مخصوصی باین مسئله ممیزی فرمائید و يك قدری تمهیل کنند که این قانون هر چه زودتر بگذرد و اگر يك نظریات همیقتی نسبت باساس مسئله یا مواد قانون دارند بنده تصور می کنم خوب است مجلس را زیاد معطل نکنند و چون کمیسیون برای پذیرفتن آقایان حاضر است ممکن است آقایان تشریف بیاورند آنجا و نظریات خودشان را اظهار فرمایند . ازدو حال خارج نیست یا کمیسیون را تقاضا می کنند یا تقاضا میشوند و اگر هیچ يك از این دو صورت مسئله حل نشد آنوقت نظریات خودشان را در مجلس اظهار فرمایند . در هر حال خوب است وقت مجلس را بیش از این صرف این قانون نکنند که در مردم تکلیف مردم وهم تکلیف دولت است .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی است . رأی می گیریم که در مواد شور شود یا نه ؟ آقایانی که تصویب می کنند در راه دور بشود قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده اول قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماخذ مالیات املاک و اراضی مزرهوی و املاک اربابی (غیرخالصه انتقالی) و اغنام واحشام در تمام مملکت ایران مطابق فقرات ذیل خواهد بود

۱ - از املاک و مراتع و جنگلهای اربابی عشر هایدات متوسط خالص مالک ام از نقد یا جنس

۲ - از احشام و اغنام الاقرار ذیل

۱ - از هتر کلانی که کمتر از ۳ سال نداشته باشد در سال دوازده قران

ب - از مادریان رنه که کمتر از ۳ سال نداشته باشد پنج قران

ج - گاو ماده شیر ده در سال پنج قران

د - میش و بز ماده شیرده يك قران

۳ در قراقرغ فقط از کاروانسرا هائی که اجاره سالیانه آن بیش از سی تومان است از مزاد برسی تومان و از طواحین و آبدنک ها از کلیه عایدات صدی پنج

رئیس - در مقدمه ماده اول کسی اظهاری دارد

حاج سید محمد باقر دست غیب - در اصل ماده بنده عرضی دارم

ارباب کیخسرو - بنده عرضی دارم

رئیس - در مقدمه

ارباب کیخسرو - بله

رئیس - فرمائید

ارباب کیخسرو - بنده خواستم از آقای ممبر سؤال کنم برای خالصجات غیر انتقالی که در این ماده مجزی کرده اند چه نظری گرفته اند ؟ و چه صورتی خواهد داشت ؟ برای این که این قانون ممیزی که وضع میشود کلیتاً برای رفع احتیاجات است می خواستم بدانم در این خصوص چه نظری اتخاذ کرده اند که در نتیجه اسباب آسایش عمومی فراهم گردد ؟ علاوه اغنام واحشام که در این ماده ذکر شده آیا اغنام و احشام خالص خالصات انتقالی را هم شامل خواهد شد یا خیر ؟

ممبر - اینکه فرمودند نسبت بغضه غیر انتقالی چه نظری اتخاذ شده گمان می کنم مقصودتان خالصجات انتقالی بوده ارباب کیخسرو - بله

ممبر - در این باب دولت يك قانونی پیشنهاد کرده چاپ هم شده و تکلیف این مسئله باید موافق آن قانون معلوم شود زیرا دولت باید که شرائط مخصوصی آن املاک را با اشخاص منتقل کرده و خود را مستحق آن مالیاتی که مالکین داده اند می داند منتهی چون بعضی املاک میزان محصولشان معین نبود دولت در نظر دارد

نسبت با املاک هر کسی که شکایت داشته باشد ممیزی بشود و کلیه محصول بالمنافقه بین دولت و مالک تقسیم گردد دو مطابق آن قانون که بعد از کمیسیون خواهد گذاشت و بنظر آقایان هم خواهد رسید این مسئله تعین خواهد شد در صورت او بکلی از موضوع املاک اربابی جدا است ولی چون ممکن بود لفظ اربابی شامل خالصجات انتقالی هم بشود از این جهت کلمه (غیرخالصه انتقالی) نوشته شده که این ماده شامل او نشود . و اما راجع باغنام واحشام که فرمودند شامل اغنام واحشام خالصجات انتقالی میشود یا نه ؟ ملاحظه می فرمائید جمله (غیر خالصه انتقالی) بعد از لفظ املاک اربابی در بین الهالین نوشته شده و بعد از احشام و اغنام نوشته شده است . این برای همین است که این ماده شامل احشام و اغنام خالصجات انتقالی هم بشود و فقط خالصجات انتقالی مستثنی است ولی اگر اغنام واحشامی در خالصه انتقالی باشد این ماده شامل آنها هم خواهد شد

رئیس - آقای دست غیب راجع بمقدمه است

حاج سید باقر دست غیب - خیر راجع باصل ماده است

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد چهارم

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده هم راجع باصل ماده عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این توضیحی که آقای ارباب خواستند و آقای ممبر جواب فرمودند بنده کاملاً نفهمیدم تکلیف خالصه انتقالی چه چیز است آیا اربابی است یا نه ؟ بنده مقصود را نفهمیدم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم در اصل ماده عرض دارم و در مقدمه عرض ندارم

رئیس - آقای همدان السلطنه (اجازه)

همدان السلطنه - بنده موافقم

رئیس - آقای معشق العلماء (اجازه)

معشق العلماء - بنده هم در ماده عرض دارم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - بنده هم در ماده عرض دارم

رئیس - قسمت اول قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

۱ - از املاک و مراتع جنگلهای اربابی عشر هایدات متوسطه خالص مالک ام از نقد یا جنس

رئیس - (خطاب بدست غیب) اظهار جناب عالی راجع باین قسمت است ؟

حاج سید محمد باقر - بله

رئیس - فرمائید

دست غیب - این مالیاتی که فعلاً گرفته می شود با هیچ قانونی از قوانین عالم اهم از قانون شرع یا سایر قوانین مطابقتی نمی کند و این مالیاتی که فعلاً می گیرند يك ظلمی است نسبت بمردم . در زمان استبداد بموجب دایره يك عمده رفته اند يك ممیزی کرده اند و اشخاصی که بدر بار سلطنت نزدیک بوده دست رسی بمقامات عالی داشته اند از آنها کمتر می گرفته اند ، مثلاً يك شخص متنفذی که در جوار يك شخص فقیر ملك داشته مالیات او بر ملك آن ضعیف تعبیل می شد چون این مالیاتی که گرفته می شده بنده يك ظلم فاحشی می دانم از این جهت بنده این افتخار را برای دوره چهارم تقنینیه می دانم که دوره چهارم يك کمک و همراهی با فقرا و ضعیف کرده و تعدیل مالیات می کند . البته معلوم است اگر این ممیزی بشود مالیات اگر بالغ بر هفتاد و سی و پنج کرور نشود ولی مسلم است عایدی دولت خیلی بیشتر از این خواهد شد .

زیرا حالا رشته مالیاتی يك رشته ظلمیه است و آنوقت پنج رشته یاده رشته خواهد شد و بدیهی است زیادت از این که حالا هست می شود اما راجع بمخالفین و اشخاصی که اظهار مخالفت کردند معلوم است با اصل ممیزی کسی مخالف نیست . اما راجع باصل عبارت که تقریباً بفرمایش آقای حاج شیخ اسدالله مصلحتی بر می خورد گمان می کنم اگر درست توجه فرمایند تصدیق هرایض بنده را می فرمایند . این که این جا نوشته نقدی و جنسی . ایران مالیات نقدی ندارد بواسطه این که پول از زمین نمی رود که دولت از او مالیات بگیرد بلکه همان جنس است که با مالیات نقدی تعبیر می کنند و چون محصول را دو قسمت کرده اند شتوی و صیفی شتوی عبارت است از گندم جو وغیره و صیفی عبارت است هندوانه و خربوزه حبوبات و چون از هندوانه نمی شود مالیات بگیرند در عوض دولت سهم خود را از هندوانه مبدل بیول کرده و مالیات نقدی می گیرد . پس اساساً مالیات نقدی غلط است و این همان مالیات جنس است که بصورت پول نقد در آمده است . والا اصلاً مالیات نقدی اصطلاح خارج از موضوعی است این است که بنده عرض می کنم اصطلاح نقدی غلط است تا وقتی می خواهید طرز مالیات را بر هم بزنید خوب است این عبارت و اصطلاح غلط را اصلاح کنید . این يك اصطلاحی است که مالیه اغتباه کرده و بدون این که جسارت سکرت کرده باشم عرض می کنم مالیه

سابق نفهیده و این اصطلاح را معمول کرده است پس چنانچه عرض کردم این مالیات نقدی عین سهم دولت از صیفی و ماش و حیوانات است که بشکل پول تقدیر آمده است و بنده این عبارت را غلط می دانم و پیشنهادم کرده ام

رئیس - آقای حائری زاده مخالفند ؟

حائری زاده - بلی
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای معتمدالتجار معتمدالتجار - عرض بنده راجع بقره دوم است

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب

حاج میرزا عبد الوهاب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای عماد السلطنه طباطبائی

عماد السلطنه طباطبائی - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

عماد السلطنه طباطبائی - فرمایشات آقای دست غیب سه قسمت بود یکی اینکه ایراد کردند بمیزی سابق و فرمودند بمیزی سابق از روی اساس صحیح نبوده بنده عرض می کنم این طور نیست بلکه تمام از روی نهایت احتیاط و عدالت بوده است و معمول بوده در هر سی سال چهل سان یک مرتبه ممیزی می کرده اند و ممیزی هم از روی احتیاج بوده همین طور که ما امروز محتاج بمیزی هستیم چنانچه خود حضرت عالی هم لزوم ممیزی امروزه را فرمودید

بنده فرمودید حالا یک رشته است بعد چند رشته خواهد شد هم چون نیست بلکه تمامش یک رشته است منتهی در نقاط متفاوت است

بعضی املاک است که از هفتاد سال قبل تا حالا ممیزی نشده و بعضی ها است که از شصت سال پیش تا حالا ممیزی شده آن وقت آباد و حالا خراب شده است در این صورت دولت نباید از او مالیات بگیرد بعضی املاک دیگر است که در چهار سال پیش نبوده و حالا دائر آباد شده از آن ها باید مالیات بگیرند چنانچه در هر شهری ۱۵۰۰ یا دو بیست املاک جدید النسق هست که از آن ها مالیات نمی گیرند و از آن ها باید مالیات بگیرند اینکه می فرمایند مالیات نقدی غلط است

بنده تعجب می کنم سابق بر این ممیزی می کردند و یک مالیاتی از بابت گندم و جو و غیره معین می کردند که باید مالک بدهد و یک مالیاتی هم از بابت تریاک پنبه و غیره معین می کردند و تسعیر می کردند آن

وقت قرار می گذاردند سالی صد تومان از این بابت بدهد آیا غیر از این که اسم این مالیات را در مقابل جنس نقد بگذارند اسم دیگری هم ممکن است بگذارند اگر حضرت عالی یک اسم دیگری می دانید خوب است بفرمائید

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده حقیقتاً امروز را یکی از روزهای سعادت و خوش بختی این مات می دانم که مالیات کج و معوج قدیمی را بیک صورت صحیح بیرون می آورند اخذ مالیات در قدیم ترتیب صحیحی نداشته در زمان نادر شاه حکام را بطور مقاطعه می فرستادند و آن ها از ولایات مبلغی مطالبه می کردند آن ها هم ریش سفیدان و و کدخدایان و نایب السکون هم را مورد مطالبه مالیات میکردند

بنده هم که ممیزی شد آن ترتیب سابق را تا درجه جرج و تعدیل کردند نه اینکه اساساً یک نظر صحیحی اتخاذ کرده باشند و دلیل اینکه سابقاً یک ترتیب اساسی در کار نبوده این است که یک قنات و پنج ساعت آبش بکلی مالیات ندارد و شش ساعتش ساعتی یک تومان و ده ساعت دیگر را ساعتی دو تومان می گیرند و بقیه را ساعتی چهار تومان چرا؟ برای اینکه پنج ساعت شخص قوی بوده و از دادن مالیات معافیت جسته است و مالک شش ساعتی یک تومان می داده طبعاً متنقدر از ساعتی چهار تومان بوده است و بهمین ترتیب کم و زیاد مالیات از یک قناتی می گرفته اند در صورتی که آب قنات در ساعت تفاوت ندارد و پنج ساعت و چهار ساعت در مابقی فرق بایکدیگر ندارند و یکی است

این فقط بواسطه قدرت و ضعف مالکین بوده است

فرض اینست که سابقاً ترتیب خوشی نداشته و این قانونی که امروز وضع میکنیم اگر حقیقت عدالت را در نظر نگرفته باشیم باز از آن ترتیب سابق بهتر است و تا حدی از اجعافات جلوگیری میکنند ولی چیزی را که بنده مخالفم راجع بیک کاسه کردن مالیاتها است در این لایحه مالیات املاکیکه با آب قنات مشروب میشود با ملکی که از آب رود خانه مشروب می شود هر دو رایک عشر مالیات قرار داده اند

حالا ممکن است آقایان مرا مراجعه بیاورند و بدهند و بگویند برای مخارج قنات دو عشر کسر میکنند بنده عرض میکنم دو مخارج است یک مخارج تاسیس قنات است و یک مخارج استدا قنات مخارج استدا بهمین ترتیب است که آقایان پیشنهاد کرده اند ولی مخارج تاسیس یک قنات که چهار فرسخ تا پنج فرسخ آب رود دارد بایک قناتی که یک فرسخ طول دارد البته فرق میکند

مثلاً برای تاسیس یک قنات صد هزار تومان خرج شده و یک کرور کار گر زحمه کشیده ولی

برای جدا کردن یک نهر از رودخانه یا نصب تومن مخارج شده و مقدار جزئی کارگر وقت صرف کرده آنوقت ما مخارج تاسیس را صرف نظر میکنم

بنابراین بنده عقیده دارم از املاکی که از رودخانه و دیم مشروب می شوند یک عشر از املاکیکه توسط قنات مشروب می شوند نیم عشر بگیرند و یک پیشنهادی هم تقدیم مقام ریاست کرده ام

رئیس - اظهار جناب عالی راجع باین ماده نبوده

حائری زاده - راجع باین ماده است که می نویسد از املاک و مراعات و جنگلها عشر هایدات بتوسط خالص مالک و بنده پیشنهاد کرده ام ضمیمه شود از املاکیکه توسط چاه مشروب شوند نیم عشر گرفته شود

رئیس - مسئله آبرو دیمی راجع بمواد دیگری است که هر وقت بآن رسیدیم باید پیشنهاد کنید

حائری زاده - پیشنهاد بنده راجع بمخارج است

رئیس - مخارج هم در ماده سوم ذکر شده آقای معفق الملماء

محقق الملماء - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - عرض بنده در این ماده نیست

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

رئیس - آقای امیرزا شهاب - امیرزا شهاب الدین - بنده در مقدمه عرض داشتم که گذشت

رئیس - آقای رئیسالتجار (اجازه)

(از مجلس خارج شده بودم)

رئیس - آقای از باب کبشرو - از باب کبشرو - عرضی ندارم

رئیس - آقای اقبال السلطان که موافقت

اقبال السلطان - بلی بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - این فقره اول از ماده اول تمیین میزان مالیات نمایم اگر آقایان مخالفین از میزان این مقدار مالیات حرف دارند و زیاد می دانند خوب است آنرا ملدا کرده کنند و الاموضوع مخارج قنات راجع بماده دیگری است و باید در وقت خود مذاکره کنند

هجاتاً آقایان اگر در باب کم و زیاد این مالیات فرمایشاتی دارند باید مذاکره بفرمایند

حاج میرزا علی محمد - بنده می خواهم توضیحی بدهم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - در کمیسیون مطلبی مطرح شد

بنده از نظر افتاد و حالا باید خاطر آقایان مسبق شود و آن این است که نسبت بتریاک و تنباکو که مالیات مخصوص دارد نظر کمیسیون این بود که آنها را جزو هایدات نقدی نیاورد

چون مالیاتی که بر تریاک وضع شده نسبت بمایدات او فوق العاده است و چنانچه باز علاوه مالیاتی وضع شود فوق العاده مضر خواهد بود و همین نسبت تنباکو مقصود این است که این مطلب در کمیسیون مذاکره شد ولی در این راپورت نوشته نشده و در شورتانی باید ماده وضع شود که کلبه هایداتی که در این قانون نوشته شده شامل تریاک و تنباکی نیست

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای زنجانی - بنده بعضی سؤالات دارم که می خواهم توضیح بدهند

مرخصم عرض کنم

رئیس - در قسمت اول ؟

زنجانی - بلی

رئیس - بفرمائید

زنجانی - این جا این طور ذکر شده (هایدات متوسطه خالص مالک)

مامی دانیم که در کلیه ولایات هایدی بین مالکین و رعایا تقسیم میشده و کلیه مالیات برعهده رعیت است چون هواند محصول را کلیه پنج قسمت می کنند باین معنی که یک قسمت برای بذریک قسمت برای مالک یک قسمت برای گاو یک قسمت برای زمین و یک قسمت برای عامل اگر بذر گاو را رعیت بدهد از آن حاصل چهار قسمت رعیت می برد و یک قسمت مالک مالیات را هم رعیت باید بپردازد عرض کردم بکوت در مجلس دوم راجع باین تقسیمات کمیسیون شده و اشخاصی هم که متخصص در مالیه بودند حاضر شدند اساس مالیات و تقسیمات ملکی را در ایران کلیه پنج قسمت تقسیم کردند ولی بعد تغییراتی برای آن قائل شدند مقصود این است که هایدات اداضی را پنج قسمت تصور کرده اند قسمتی که هوارض دولتی بر آن تعلق میگیرد یعنی یک قسمت زمین یک قسمت عامل یک قسمت عوامل و یک قسمت هم مالک

حالا آن قسمتی را که مخصوص هوارض دولتی است هر کس بردا و باید مالیات بپردازد البته در صورتی که مالک هوارض بدهد او است حالا بنده نمیدانم اگر امروز این اصل را اتخاذ کردیم عملیات سابق چه خواهد شد ؟ در صورتی که علاوه بر این مالیات مالیات پنج یک را هم بدهد البته تعدیل خواهد بود

وزیر مالیه - ایراد آقای زنجانی در حقیقت وارد است و این چند ماهی هم که کمیسیون قوانین مالیه این قانون را معطل

بعضی گفتند کافی است

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

حاج میرزا علی محمد - بنده می خواهم توضیحی بدهم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - در کمیسیون مطلبی مطرح شد

بنده از نظر افتاد و حالا باید خاطر آقایان مسبق شود و آن این است که نسبت بتریاک و تنباکو که مالیات مخصوص دارد نظر کمیسیون این بود که آنها را جزو هایدات نقدی نیاورد

چون مالیاتی که بر تریاک وضع شده نسبت بمایدات او فوق العاده است و چنانچه باز علاوه مالیاتی وضع شود فوق العاده مضر خواهد بود و همین نسبت تنباکو مقصود این است که این مطلب در کمیسیون مذاکره شد ولی در این راپورت نوشته نشده و در شورتانی باید ماده وضع شود که کلبه هایداتی که در این قانون نوشته شده شامل تریاک و تنباکی نیست

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای زنجانی - بنده بعضی سؤالات دارم که می خواهم توضیح بدهند

مرخصم عرض کنم

رئیس - در قسمت اول ؟

زنجانی - بلی

رئیس - بفرمائید

زنجانی - این جا این طور ذکر شده (هایدات متوسطه خالص مالک)

مامی دانیم که در کلیه ولایات هایدی بین مالکین و رعایا تقسیم میشده و کلیه مالیات برعهده رعیت است چون هواند محصول را کلیه پنج قسمت می کنند باین معنی که یک قسمت برای بذریک قسمت برای مالک یک قسمت برای گاو یک قسمت برای زمین و یک قسمت برای عامل اگر بذر گاو را رعیت بدهد از آن حاصل چهار قسمت رعیت می برد و یک قسمت مالک مالیات را هم رعیت باید بپردازد عرض کردم بکوت در مجلس دوم راجع باین تقسیمات کمیسیون شده و اشخاصی هم که متخصص در مالیه بودند حاضر شدند اساس مالیات و تقسیمات ملکی را در ایران کلیه پنج قسمت تقسیم کردند ولی بعد تغییراتی برای آن قائل شدند مقصود این است که هایدات اداضی را پنج قسمت تصور کرده اند قسمتی که هوارض دولتی بر آن تعلق میگیرد یعنی یک قسمت زمین یک قسمت عامل یک قسمت عوامل و یک قسمت هم مالک

حالا آن قسمتی را که مخصوص هوارض دولتی است هر کس بردا و باید مالیات بپردازد البته در صورتی که مالک هوارض بدهد او است حالا بنده نمیدانم اگر امروز این اصل را اتخاذ کردیم عملیات سابق چه خواهد شد ؟ در صورتی که علاوه بر این مالیات مالیات پنج یک را هم بدهد البته تعدیل خواهد بود

وزیر مالیه - ایراد آقای زنجانی در حقیقت وارد است و این چند ماهی هم که کمیسیون قوانین مالیه این قانون را معطل

بعضی گفتند کافی است

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - در قسمت اول مذاکرات کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

کرده فقط برای رفع همین اشکالات بود اما راجع به بیزی بنده برخلاف بعضی آقایان که می فرمایند بیزی قدیم بدون ترتیب و بی رویه بوده عرض می کنم بیزی قدیم از اساس صحیح بوده ولی متأسفانه تمام آن جهات و دلالی که برای صحت او موجود بوده امروز در ادارات نیست یعنی اصطلاحاتی بوده که هنوز هم شاید نتوانند آن ها را کشف کنند که اساسش چه بوده مثلا در بعضی جاها می گویند جمعی سی و هفت دینار که وقتی حساب می کنند شصت تومان در می آید و معلوم نیست اساسش از روی چه ماخذ بوده همان طور که آقای زنجانی فرمودند در قسمت زنجان و گروس و تبریز عایدات را بیج قسمت کرده اند سه قسمت را رعیت میبرد یک قسمت مالک و یک قسمت آن هم بعنوان دولت است در بعضی جاها اگر آن قسمت را رعیت برد او مالیات می دهد و اگر آن دو خمس را مالک برد مالیات را مالک می دهد و آن یک خمس را بابت مالیات محسوب می دارد در هر صورت امروز بواسطه ترقیاتی که در املاک پیدا شده میزان مالیات نسبتا تغییر کرده و هر کس آن یک خمس را برد مالیات را اومی دهد در آذربایجان یک هشارز کل محصول را برای دولت و یک هشر برای مالک و هشت هشر دیگر بر رعیت میرسد اما حالا تمام این ترتیبات تغییر کرده کمیسیون قوانین در عرض این چند ماه مطالعات عمیق کرده نمایندگان ایالات و ولایات را در کمیسیون دعوت کردند و اشکال مختلف را در تحت نظر آوردند ابتدا بخیال افتادند که میزان مالیات را بدون اینکه داخل تقسیمات کردند ماخذ کل عایدات قرار بدهند ولی بیک محظوراتی برخوردند که ممکن نشد بالاخره بر گشتیم به سهم مالک و دیدیم این ترتیب از همه صحیح تر است زیرا تقسیمات ارضی از حیث رعیت و اربابی در ایران یک اساسی دارد که از هیچ نقطه عالم نظر ندارد یعنی اساسی است

که همه ملل بعد از ترقی و رسیدن بانها درجه دمکراسی یا سوسیالیستی تازه باید بیک چنین شکلی برسند.

زیرا در ایران رعیت مزدور نیست بلکه با مالک شریک الملک است و مالک باید او را حفظ و نگاهداری نماید تا در ملکش بماند مالیات هم تعلق به سهم مخصوصی مالک می گیرد در قسمتهای زنجان و گروس چون مالیات بعهده رعیت بوده تبصره رسیدن ترتیبی داده شود و شاید تا شوروم اصلاح شود چون اگر بگوئیم مالیات از سهم مالک باشد تعجیل بار باب میشود.

چون در هر مجلسی بین خودشان یک معامله میکنند ما هم نمیخواهیم داخل در تقسیم سهم ارباب و رعیت بشویم زیرا قسمت مالیاتی تعلق بر رعیت می گیرد.

بنابراین باید تصمیمی اتخاذ کرد که در محلهائی که مالیات بعهده رعیت بوده میزان مالیات را بعهده مالک گذارد.

یک قسمتی آقای دستغیب فرمودند که مالیات نقدی صحیح نیست و غلط است بنده عرض میکنم برخلاف باید مالیات نقد باشد و از عایدات محصول باشد.

یعنی آنچه را که از زمین برداشت نموده بفروشد.

پس از موازنه دخل و خرج آن از حاصل آن نقداً مالیات گرفته شود و البته اگر مصادف با مشکلاتی نمی شدیم گندم و جو هم نقد می کردیم.

یعنی می گفتیم آنها هم باید تغییر شود ولی عجالتاً تا یک مدتی شاید این ترتیب فعلی هم برای دولت و هم برای رعیت سهلتر باشد والا مالیات باید از حاصل عمل بعد از فروش از وجه نقدی که بدست هر کس می آید گرفته شود ولی باین جهاتی که عرض کردم گندم و جو و شلتوک راجسی و مابقی مالیاتها را نقدی کرده اند زیرا از هندوانه و خربوزه و سایر صیفی ها میشود همین جنس دریافت داشت و بملاوه ما چون با مالک طرف هستیم و او هم نقد میگیرد لذا ما هم از مالک نقد می گیریم نه همین جنسی را اما امیدوارم بتوانیم در آینده نزدیکی کلیه مالیات جنسی را موقوف کنیم و تمام را مبدل بنقدی نماییم اما راجع بیک هشر و نیم هشر که بعضی از آقایان فرمودند عرض میکنم مالیات باید در تمام مملکت یک شکل واحدی داشته باشد یعنی باید بگوئیم هر کس از عایدات خالص خود یک هشر بدهد.

ولی معلوم است در تعیین عایدات خالص شرطی دارد که نسبت به همه املاک یکی نیست.

مثلا برای املاکی که با آب قنات مشروب میشود دو هشر و املاکی که از آب قنات و رودخانه مشروب میشوند یک هشر و نقاتی که از آب رودخانه مشروب میشوند یک هشر مزارع منظور شده حالا اگر سرکار این مقدار را کم می دانید ممکن است در موقع پیشنهاد بفرمائید سه هشر و چهار هشر منظور شود.

ولی بالاخره باید یک عایدات خالص برای مالک قائل شد و هشر او را گرفت در تمام مملکت مالیات بیک ترتیب واحد بر عایدات خالص باشد.

اما اینکه راجع بخرج تأسیس قنات فرمودید این مزارع یا راجع بگذشته است یا در آینه قناتی تأسیس خواهد نمود آنچه راجع بگذشته است البته فوائد آن را هم برده است ولی راجع بمزارعی که بعدها میشود در همین لایحه نوشته شده که هر وقت چنین مزارعی پیش آمد تا هشت سال معاف خواهد بود یعنی اگر کسی خرجی

برای تأسیس قناتی کرد دولت بابت مالیات تا هشت سال از او چیزی مطالبه نخواهد کرد ولی بعد از هشت سال که فوائد خودش را از آن قنات برد البته یکی از عایدات معمولی محسوب شده و بآن مالیات تعلق خواهد گرفت.

بنابراین بطور کلی این ملاحظات تماماً در موقع خود مراعات شده و اشکالی در این لایحه نیست.

رئیس - چند دقیقه تنفس میشود در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید.

رئیس - بقیه مذاکرات در لایحه بیزی عمومی بجلسه آینده موکول میشود.

بالفعل طرح قانونی الحاق ابرقویه به یزد مطرح است راجع به کمیسیون داخله که محتوی دو ماده بود بمضمون ذیل فرات شده.

ماده اول - مجلس شورای ملی انفصال ابرقویه را از حوزه حکومتی اصفهان و الحاق آنرا به حوزه حکومتی یزد تصویب می نماید.

ماده دوم - وزارت داخله مکلف است از تاریخ تصویب این قانون الی سه ماه و سائل ضمیمه شدن ابرقویه را به یزد فراهم سازد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می خواستم عرض کنم قوانینی که از مجلس می گذردو بهیئت وزراء رجوع می شود باید بموقع اجرا گذارده شود. تا آقایان وقتی زحمت می کشند و یک قانونی وضع می کنند بیهوده نباشد برای تذکاد خاطر آقایان عرض میکنم قانون راجع بنمایندگان سیاسی مدتی است از مجلس گذشته و بنده چیزی از اجرای آن نشنیده ام این قانون انفصال ابرقویه از اصفهان را هم مجلس رأی می دهد و شاید بعد از مدتی از وزارت داخله خبر بدهند که مبالغی خرج دارد تا ما حکومت را از این دفتر خارج نماییم و بدقت دیگر انتقال بدهیم. بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که مقرر دارند قوانینی که از مجلس می گذرد در موقع شور آقایان وزراء حاضر شوند که اگر نظری دارند اظهار کنند که بعد از گذشتن دیگر در بوته اجمال گذارده نشود و تعقیب شود تا زحمات ما بهتر نرفته باشد.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - آقای آقا سید یعقوب مخالف این پیشنهاد نبودند تا بنده موافقت خود را اظهار کنم لیکن برای این

که خاطر نمایندگان محترم کاملاً مسبوق باشد و از روی بصیرت رأی داده باشند لازم می دانم ملت پیشنهاد خود را که مورد توجه مجلس واقع شده و نماینده وزارت داخله هم موافقت کرد عرض کنم. موافقت شهر یزد طوری است که چهار ماه بیشتر آذوقه خود را نمی تواند تهیه کند و برای آذوقه بقیه سال مجبور است از ایالات و ولایات اطراف آذوقه حمل نماید این است که اهالی یزد در موقع تنگی بزحمت خواهند افتاد زیرا جنس را بایستی از ابرقویه بیاورند و ممکن است حکومت اصفهان یک نظریاتی داشته باشد و مانع از حمل جنس شود بملاوه ابرقویه بلوکی است که روابط خیلی زیادی با اصفهان ندارد مأمور اصفهان که بخواهد با ابرقویه بیاید بایستی سی فرسخ از خاک فارس عبور نماید تا با ابرقویه برسد در صورتی که ممکن است یکی دو ماه آذوقه یزد را ابرقویه بدهد و وقتی ابرقویه آباد شود بالطبع عایدات دولت هم زیاد می شود بملاوه ابرقویه یک مجلسی شده است برای سارقین فارس باین معنی که اشرار فارس از خاک ابرقویه می آیند و ممکن است یک عده زیادی باشند و بلوکات اطراف آن جا را غارت نمایند تا بحال سرقت هائی که در آن محل شده حکومت اصفهان چندان تعقیب نکرده است زیرا از خاک اصفهان دور است و حکومت یزد هم تا بخواهد بطهران و مرکز اطلاع دهد سارقین از آن حدود فرار کرده اند ولی اگر ابرقویه ضمیمه یزد شود و منزل آن جا حکومت یزد باشد این قبیل نا امنی ها اتفاق نخواهد افتاد باین نظریات بنده پیشنهاد کردم ابرقویه ضمیمه یزد شود و اینکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند دولت هم باید موافقت خود را اظهار نماید بنده عرض می کنم در موقعی که طرح قانونی در مجلس مطرح بود نماینده وزارت داخله هم حضور داشت و اظهار موافقت کرد و در کمیسیون داخله هم مذاکره و تصویب شد.

بنابراین گمان نمی کنم دیگر مخالفی باشد خوب است در این خصوص رأی بگیریم.

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - بنده موافقم که ابرقویه از اصفهان مجزی شود زیرا بهیچ جهتی از جهات با اصفهان مناسبت ندارد ولی ضمیمه شدن آن را بیزد مخالفم زیرا اگر یک نظر دقیقی در وضعیت و احوال مردم ابرقویه نمایم می بینیم ابرقویه در حدود داصلیه